

● زمین محوری در تولید و آینده ساختار کشاورزی ایران (اقتصاد مقیاس در مزرعه)

● چگونه هزینه خوراک در دامداری های شیری را کاهش دهیم؟

● پنج خطای رایج در پرورش مرغ گوشتی که سود مرغدار را کاهش می دهد

● افزایش عملکرد گندم با مدیریت دقیق مزرعه

● اقتصاد صنعت دام و طیور در ایران؛ از بحران نهاده ها تا نوسان بازار و فرصت های صادراتی

● بازار جهانی غلات و معادلات امنیت غذایی

● اقتصاد مصر و سیاست نان؛ از کانال سوئز تا امنیت غذایی

ضرورت عاجل کشاورزی ایران؛ رویکرد به سوی تعاملات جهانی



Agri-Industrial Infrastructures

Food, Livestock and Poultry Specialized Monthly Magazine

Tildipirosin 18%

Injectable solution

تیلدپیروزین ۱۸٪

محلول استریل تزریقی



موارد مصرف:

برای درمان و کنترل عفونت های تنفسی گاوها که عامل آن مانهیمیا همولیتیکا، پاستورلا مولتی سیدا و هیستوفیلوس سومنی باشد.

بدون ورود به شیر

Eprino Ject®

Eprinomectin 2%

Injectable solution

اپرینو جکت®

اپرینومکتین ۲٪

محلول استریل تزریقی



موارد مصرف:

برای درمان و کنترل آلودگی های انگلی داخلی (کرم های گرد گوارشی و ریوی) و خارجی در دام های مختلف استفاده می شود.

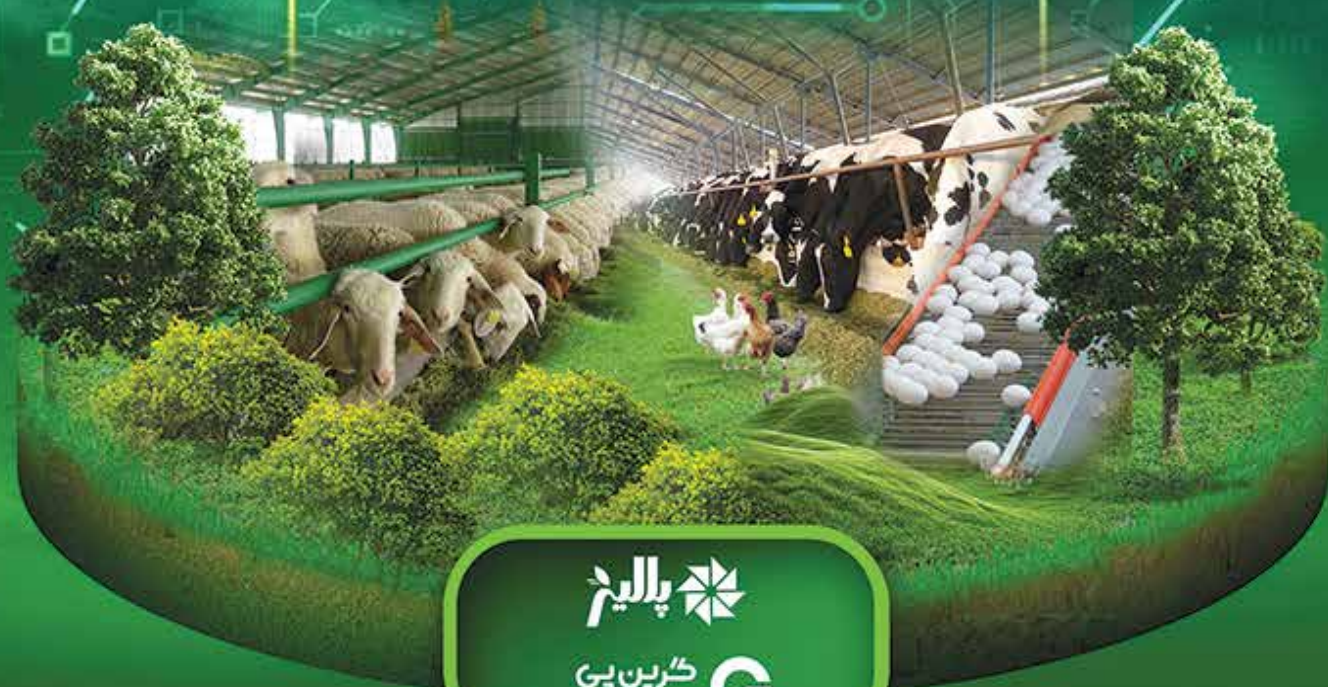
نویز پی

اعتبار دیجیتال زنجیره تولید

با نرخ سود صفر درصد

تامین مالی کنید

بدون نرخ سود و با کارمزد اندک
بدون نیاز به آورده نقدی
قابل انتقال در طول زنجیره
قابلیت تنزیل
بازپرداخت ۳ ماهه تعهد



پالیز

گرین پی

اعتبار همیشه سبز



در پلتفرمهای پالیز و گرین پی

اداره کل روابط عمومی

مرکز ارتباط سبز: ۰۲۱-۸۱۳۰۱

www.bki.ir





تولیدکنندگان عزیز و تلاشگر حوزه دام و طیور؛

شرکت نهاده‌های دامی جاهد

پیشرو در فعالیتهای ممتاز ژنتیکی در کنار سایر مجموعه‌های دولتی و خصوصی، رسالت خود را در شرایط دشوار جنگی نیز به انجام رسانده است. ما با افتخار، فرآیند تأمین و توزیع نهاده‌های استراتژیک برای تولید شیر، گوشت قرمز، مرغ و تخم‌مرغ را باموفقیت استمرار بخشیده‌ایم. هم‌اکنون این نهاده‌ها از طریق سامانه بازارگاه در دسترس شما قرار دارد.



شماره انتشار بین المللی ISSN 1680-1350

سال بیست و هفتم - شماره ۲۹۱
فروردین ۱۴۰۵

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

دکتر منصور انصاری

mansoor.ansary1334@gmail.com

دبیر هیأت تحریریه:

فرانک مسعودی

زیر نظر هیأت تحریریه

مدیر داخلی، ویراستار:

فرانک مسعودی

faranak.masoudi@gmail.com

دبیر سازمان آگهی‌ها و خبرنگار:

حجت اله انصاری (جابری)

دبیر روابط بین الملل و خبرنگار:

دکتر مسعود انصاری

گروه خبرنگاران:

عبدالحسین باخدا، سیاوش انصاری

محدثه بیک‌زاده

سایت پشتیبان: پایگاه خبری کشاورزی آینده جهان

«کاج پرس»

www.kajpress.com

یا

www.keshavarziyandejahan.ir

گرافیک:

زیبا دریایی

♦ آنچه در این شماره می‌خوانید:

- ۲..... ضرورت عاجل کشاورزی ایران رو به (سر مقاله).....
- ۳..... توصیفی از تلاش شرکت‌های حاکمیتی در کنار بخش خصوصی مسئول ...
- ۴..... زمین محوری در تولید و آینده ساختار کشاورزی ایران
- ۱۲..... جریان زندگی در میادین میوه و تره بار
- ۱۳..... چگونه هزینه خوراک در دامداری‌های شیری را کاهش دهیم؟.....
- ۱۴..... پنج خطای رایج در پرورش مرغ گوشتی که... ..
- ۱۵..... افزایش عملکرد گندم با مدیریت دقیق مزرعه.....
- ۱۶..... اقتصاد صنعت دام و طیور در ایران؛
- ۱۹..... بازار جهانی غلات و معادلات امنیت غذایی
- ۲۴..... قیمت خرید تضمینی گندم؛
- ۲۶..... اقتصاد مصر و سیاست نان؛ از کانال سوئز تا امنیت غذایی.....
- ۳۰..... سازمان تجارت جهانی (WTO) و جایگاه ایران

سر مقاله

شاهد هستیم هر رخداد سیاسی نظامی در عرصه جهانی همچون بستن یا نبستن تنگه هرمز و چالش‌های مرتبط به آن یا مثلاً جنگ روسیه با اوکراین و مسائل جهانی حاصل از این رخدادها یک ضمیمه پیوست سیاسی اقتصادی با خود دارند آن‌هم بحث تهیه و تامین مواد اولیه (نهاده‌ها) یا غله و گندم و سایر موارد برای بهره‌وری بیشتر تولیدمواد غذایی، مانند کود، سم، بذر یا مواد ژنتیکی است که موضوع امنیت غذایی و تأمین آن را برجسته ساخته...

ادامه در صفحه ۲

چاپ، لیتوگرافی و صحافی:
کهن چاپ

تهران - میدان هفت تیر - خیابان بهار شیراز - خیابان سلیمان خاطر

نیش چهار راه ملایری - پلاک ۴۷

تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۴۳۳۳-۸۸۳۰۲۹۰۳

نشانی دفتر مجله: تهران - میدان توحید، خیابان توحید، کوچه نادر،

پلاک ۳۷ (ساختمان مجله دامپروان)

تلفن: ۵۵ تا ۶۶۹۴۶۲۵۰ و ۶۶۹۱۳۱۶۲ فکس: ۶۶۹۱۳۱۶۳

کدپستی: ۱۴۵۷۸۴۸۷۱



ضرورت عاجل کشاورزی ایران رو به سوی تعاملات جهانی

منصور انصاری

دکترای علوم سیاسی و روزنامه نگار

شاهد هستیم هر رخداد سیاسی نظامی در عرصه جهانی همچون بستن یا نبستن تنگه هرمز و چالش های مرتبط به آن یا مثلاً جنگ روسیه با اوکراین و مسائل جهانی حاصل از این رخداد ها یک ضمیمه پیوست سیاسی اقتصادی با خود دارند آن هم بحث تهیه و تامین مواد اولیه (نهاده ها) یا غله و گندم و سایر موارد برای بهره‌وری بیشتر تولید مواد غذایی، مانند کود، سم، بذر یا مواد ژنتیکی است که موضوع امنیت غذایی و تامین آن را برجسته ساخته و در جوف سیاست گذاری و مناسبات و مبادلات بازرگانی قرار داده است در این میان گرچه بحث نفت و انرژی و ذخایر آن حادث تر است ولی بحث تامین ذخایر استراتژیک برای سیلوها و در شرایط دشوار کنونی نیز توأمان جایگاه حاد و متمایزی در اداره امور کشورها، یافته است.

این برجستگی و اهمیت در تمام کشورها با رعایت دو محور عمده تعریف می شود، تولید داخل توأم با حفظ محیط زیست و واردات با اتکا به بازرگانی جهانی و اصول تثبیت شده اند آنهم از کشورهایی که مازاد تولید دارند و اگر این مازاد را صادر نکنند با بحران اقتصاد و بازرگانی داخلی مواجه می شوند زیرا در اقتصاد جهان این اصل پذیرفته شده است که یکی از راه های مؤثر تنظیم تولید و بازار داخلی فراورده ها و محصولات کشاورزی، بازرگانی خارجی یا صادرات متوازن آن هاست. این اصل مقبولیت یافته در اقتصاد جهانی جدا از جهانی شدن اقتصاد برای هیچ کشوری از جمله ایران که قصد توسعه پایدار و متوازن و به تامین امنیت غذایی باور دارد و به واقع باید آن را دنبال کند، استثنا ندارد، کماینکه این تعاملات و مراودات بازرگانی در ایران هم به رغم رودربایستی در ابراز و شعارهای توخالی بعضی ها، کم و بیش حداقل در حوزه مواد غذایی و مواد اولیه منجر به آن ها، رعایت می شود.

کشور را نمی توان با ژست ضدیت و شعارهای توخالی مستمر با اقتصاد و بازرگانی موجود جهانی به رغم ناعادلانه و ناترازی در سهم بری اداره کرد، باید در چارچوب قاعده مندی آنچه هم اکنون عمل می شود و هست رفتار و عمل کرد. یک زمان دولت هایی همانند نهم و دهم داشتیم که با هیجان و البته به گمان خودشان عوام فریبی شعار می دادند که ما تحریم غذایی شده ایم و بازرگانی و اقتصاد جهانی را متهم می کردند که قصد دارند ما را با گرسنگی و آوار به تسلیم کنند. ولی هم زمان و در سال های بسیاری مبالغی حتی بالغ بر ۲۰ میلیارد دلار ارزان برای واردات مواد اولیه یا آنچه نهاده های دام و طیور یا مواد اولیه داروهای دام پزشکی نامیده می شد اختصاص می دادند و وارد می کردند، حال به مرحله ای رسیده ایم که با هر سیاست و هر نوع روش اداره مملکت در قالب هر نوع حاکمیت، در حوزه کشاورزی الزاماً باید وارد تعاملات و روابط بین المللی شویم و با پیوند میان وجدان های بیدار "جامعه جهانی" و روابط بین المللی میان کشور که همگان می دانند دارای نظام های متفاوتی هستند، کشاورزی کشور را از انزوا و بن بست های تنگ نظرانه نجات دهیم و با همکاری و تعامل مؤثر و مفید و سرنوشت ساز آنرا را پیش ببریم.

وزارت جهاد کشاورزی با هر وزیر، حال وزیر کنونی دکتر قزلبچه نوری یا شخص دیگری باید در جایگاه مسئولیت ملی و نه الزاماً حاکمیتی ای که دارند دریچه های نوینی در رویکرد و نگرش برای رفاه بیشتر مردم در حوزه مصرف مواد غذایی با کیفیت بهتر، و فوراً بیشتر و قیمت مناسب بگشایند.

اینکه در چارچوب تعارف و مذاهنه های نابجا در اولین یا دومین نشست رسمی نیمه فرودین ماه بگویم: "سازمان آموزش، ترویج و تحقیقات (تات) مرکز ارائه راهکارهای علمی برای حل مسائل و عبور از چالش های بخش کشاورزی است" بی آنکه از این سازمان بخواهیم طرح خود در زمینه تعاملات جهانی برای بهبود وضع کشاورزی یا توسعه روابط بین المللی، همان طوری که گفته شد یا رویکرد نوین دیگری در عرصه بازرگانی و اقتصاد سیاسی کشاورزی ارائه دهد، شمشیر در هوا می چرخانیم و چون موارد دیگر در حوزه سیاست گذاری در گرداب شعارهای توخالی گرفتار آمده ایم، امسال و در شرایط دشوار تقابل جویی جهانی که در عرصه نظامی به وجود آمده سال متفاوتی برای هر چیز از جمله کشاورزی مملکت می باشد.

توصیفی از تلاش شرکت‌های حاکمیتی در کنار بخش خصوصی مسئول برای تأمین نهاده‌های مورد نیاز دام و طیور در شرایط جنگی

تحریریه مجله «صنایع زیرساخت‌های کشاورزی»

اواخر پاییز و نیمه اول زمستان سال گذشته، موضوع کمبود و نبود نهاده‌ها به دلیل عدم تخصیص ارز و بی‌توجهی مفرط به واردات آن که گفته می‌شد به خاطر محدودیت‌های ارزی و تنگناهای ناشی از فشارهای بیرونی غیردولتی مبنی بر اینکه به ارز نیاز داریم پس در تخصیص برای واردات نهاده‌ها سخت‌گیری کنید کار را به بن‌بست کشانیده بود به گونه‌ای که عده‌ای از نمایندگان کمیسیون کشاورزی مجلس که به نظر می‌رسید قصد دیگری به جز تأمین خوراک دام و طیور را داشتند، در چارچوب جاه‌طلبی‌های متداول که وزیر کفایت ندارد، آن دیگری دارد و باید استیضاح شود و کنار گذاشته شود، موضوع کمبودها و گرانی نهاده‌های گفته‌شده را بر سر علم سیاست‌بازی‌های ناروا برافراشتند.

عملیات نظامی نامتقارن نقطه زن هدف جو که شروع شد، موضوع برکناری قزلبچه نوری که مخالفان می‌گفتند کفایت ندارد در کنار مطالبی که این نشریه نوشت و گفت مگر وزیر ارز لازم و کافی مورد تقاضا برای واردات نهاده‌ها را در اختیار دارد که حالا عمل نکرده است، توأمان فضایی ایجاد کرد که نمایندگان مقام جو که خواب وزارت را می‌دیدند عقب نشستند و اذعان کردند که ارز مورد نیاز کافی برای واردات نهاده‌ها هنوز از سوی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی، به هنگام است تأمین نشده است.

نهایتاً شروع عملیات نظامی هوایی در نهم اسفند، نهاده‌های مرتبط را به فکر انداخت که ارز مورد نیاز برای واردات نهاده‌ها را گرچه محدود ولی به‌هرحال تأمین کنند.

با دسترسی وزارت جهاد کشاورزی به ارز گفته شده، شرکت‌هایی با وظایف حاکمیتی مانند شرکت پشتیبانی امور دام و یا نهاده‌های دامی جاهد با اتکا به تجارب ارزنده و روابط دیرینه با طرف‌های صادرکننده خارجی به‌فوری اقدام به خرید، حمل‌ونقل دریایی و رسانیدن به بنادر ایران - در شمال بندر امیرآباد و در جنوب بندر امام خمینی - کردند و در اوج بمباران‌های مداوم و مستمر با پایمردی، مراحل ترخیص را به‌سرعت انجام دادند و طی پیام‌هایی به تولیدکنندگان ازجمله دامداران و مرغداران اعلام کردند که نهاده‌های مورد نیاز در بازارگاه تأمین شده و قابل دسترسی است، برای تقاضای خود اقدام کنید.

اولین مقام دولتی که در مصاحبه‌ای با رسانه‌ها در روزهای پایانی اسفندماه سال گذشته به این موضوع اشاره کرد دکتر رفیعی پور معاون وزیر و رئیس سازمان دامپزشکی بود که توأم با حسن نیت و دلگرمی به مرغداران و دامداران گفت به‌زودی نیاز آن‌ها تأمین می‌شود.

پس از آن، در نخستین روزهای تعطیل سال جاری، یکی از خبرنگاران مجله طی تماسی با دکتر جعفری مدیرعامل شرکت پشتیبانی امور دام مصاحبه‌ای با همین مضمون اطمینان‌بخش که تولیدکنندگان نگران تأمین نهاده‌ها نباشند انجام داد و منتشر کرد که در آن بر تعهد خرید تضمینی جوجه یک‌روزه از واحدهای مرغ مادر که با مازاد تولید مواجه بودند توسط شرکت پشتیبانی امور دام نیز تأکید شده بود.

همچنین در تماسی با مهندس مهری مدیرعامل شرکت نهاده‌های دامی جاهد همین پیام اعلام شد و مهندس احمدیان مدیر تولید این شرکت که هنگام مصاحبه برای اطلاع از چندوچون ترخیص نهاده‌ها در بندر امام و برای اجرای دقیق ترخیص حضور یافته بود به خبرنگار ما گفت «همین الان پتروشیمی بندر امام را زدند ولی محموله‌های ما در حال ترخیص است». این مساعی ارزشمند خبری نویدبخش برای مرغداران و دامدارانی بود که نگران تأمین نهاده‌های خود بودند و بعضاً به علت نگرانی جوجه ریزی نکرده بودند.

به‌هرحال و در جمع‌بندی نهایی و قبل از آتش‌بس دوهفته‌ای، شرکت‌های حاکمیتی و چند شرکت مقتدر و مسئول بخش خصوصی همچون گروه مدلل و یا کلهر دانه توانستند در بحبوحه ناامنی عبور کشتی‌ها از تنگه هرمز و جنگ نامتقارن هوایی، نیازهای دامداران و مرغداران را در جهت تأمین امنیت غذایی و کاهش نگرانی مردم در مورد کمبود یا نبود و قحطی کالاهای اساسی همچون گوشت مرغ، تخم‌مرغ، شیر، مواد لبنی و گوشت قرمز تا حدودی مرتفع کنند.



زمین محوری در تولید و آینده ساختار کشاورزی ایران

سردبیر

به یاد داریم در سال‌های اولیه انقلاب نوع نگرشی متأثر از عدالت محوری سطحی و کم‌مایه رویکردی را گسترش و تثبیت کرد که زمین‌های کشاورزی و زراعی در ابعاد بزرگ‌مقیاس باید در میان کشاورزانی که بر روی آنان کار می‌کنند تقسیم شود و مالکیت این زمین‌های شکسته و خرد شود تا نوعی عدالت اجتماعی و انگیزه‌های تولید بیشتر به وجود آید.

این رویکرد نابخردانه که در آن زمان طرفداران سیاسی زیادی هم داشت و البته متأثر از جریان‌های چپ بود منجر به ایجاد تشکیلاتی ترکیبی از نیروهای مختلف و از نهادهای متعدد به نام «هیئت‌های هفت‌نفره» شد که بدون مطالعه علمی فقط به دلیل نوع نگرش سطحی تقسیم عادلانه ثروت، بسیاری از قطعات بزرگ زمین‌های زراعی را خرد و در اختیار کشاورزانی قرار داد که توان خرید ماشین‌آلات صنعتی کشاورزی را نداشتند، لذا آنچه پیش آمد، رها کردن این زمین‌ها، که بی‌بهره و کم‌بهره شدند یا توسط سرمایه‌داران متوسط شهری به واحدهای مسکونی یا ویلا تغییر کاربری داده شدند.

از سوی دیگر در چارچوب قوانین انقلابی، مصادره بسیاری از واحدهای بزرگ تولید صنعتی، دامداری، مرغداری، کارخانه‌های تبدیلی مواد غذایی به این دلیل که یا از بانک‌ها وام گرفته و بدهکار بودند یا به دلیل ارتباطاتی که با دربار حکومت سابق داشتند مصادره شدند که بعضاً به علت مدیریت‌های ضعیف و بی‌انسیج و به نوعی دستوری تعطیل یا به پائین‌ترین سطح بهره‌وری رسیدند و طبق اصول سرمایه‌گذاری رشد نکردند و با افزایش نیروهای کار سفارشی از سوی نهادها و ارگان‌های مختلف سود دهی آنان کم شد و بسیاری با زیان مواجه گردیدند. تزریق دلار ارزان قیمت سال‌های اولیه انقلاب ۷ تا ۱۰ تومان برای هر دلار که قیمت واقعی آن زمان به ۲۰ برابر رسیده بود نتوانست وضعیت تولیدی و بهره‌وری آنان را بهبود دهد.

به عبارتی و در سر جمع این بحث تولید کاهش یافت و نیاز کشور به واردات روز به روز افزون شد. نتیجه آنکه برای برنامه ریزان اقتصاد کشور و البته اقتصادی که هنوز وارد فساد دامن گیر و گسترده نشده بود این مفهوم و نگرش حاصل شد که برای ایجاد عدالت اجتماعی و منتفع شدن آنچه «مستضعفان» گفته می‌شد را باید به شیوه دیگر و

در جایی غیر از تقسیم زمین‌ها یا واحدهای بزرگ تولیدی جستجو کرد کار به آنجا رسید که در وزارت کشاورزی وقت، مدیریتی تحت عنوان یکپارچه‌سازی اراضی، حال موفق یا ناموفق به وجود آمد. به همین دلیل در دهه‌های ۶۰ تا ۷۰ یک جمله معروف و سرنوشت‌ساز در کشاورزی و در محافل مختلف دهان‌به‌دهان می‌چرخید که اگر در زمین‌هایی با قطعات کوچک، طلا هم بکاریم مقرون‌به‌صرفه نیست. این جمله منتسب به دکتر کلاتتری وزیر اسبق کشاورزی بود که مجله دامپروران سابق هم در چند مطلب، مقاله و یادداشت به تجزیه تحلیل آن پرداخته است. به هر حال، شاکله کشور به این نتیجه رسید که این رویکرد در مورد کشاورزی و سایر بخش‌های اقتصادی، نادرست، زیان‌بخش و موجب تضعیف تولید و نهایتاً امنیت غذایی که در آن زمان مانند هم‌اکنون برجسته نبود شده است، آزمون و خطایی نابخشودنی که دودش به چشم نسل‌های بعد از انقلاب رفت.

با این مقدمه طولانی در این شماره مجله «صنایع زیرساخت‌های کشاورزی» و در سال جدید که هنوز اینترنت قطع است و کار مطبوعات بسیار دشوار است، در شماره فروردین ماه ۱۴۰۵ مطلب مطالعاتی تحقیقاتی ذیل را برای یادآوری آزمون‌های تلخ نابخردانه ضد ملی درج می‌کنیم شاید یک جمع‌بندی علمی و درس‌آموز برای کسانی باشد که قرار است این مملکت را چه در وضع کنونی چه غیر آن اداره کنند و با شعارهای بی‌محتوا، نسنجیده و غیرعلمی، با حدت و شدت و ظاهری عامه‌پسند، کشاورزی کشور و نهایتاً امنیت غذایی را به ویرانی و تخریب نکشاند.

این مقاله فصل‌بندی شده و هر فصل بر محور «اقتصاد مقیاس» به یکی از وجوه زمین محوری برای تولید می‌پردازد.

گفتنی است در کشورهای پیشرفته صنعتی به‌ویژه در اروپا، مزارع کوچک‌مقیاس خانوادگی نیز وجود دارد که بهره‌دهی بالایی هم دارند و حتی سازمان ملل متحد یک سال را به نام «کشاورزی خانوادگی» به دلیل تأثیر بسیار نسبت آن در حوزه اجتماعی و حفظ کیان خانواده و بهره‌دهی مطلوب نام‌گذاری کرده است، اما این مقیاس‌های کوچک متمرکز که با دلسوزی و حس مالکیت اداره می‌شوند در ابعاد کلی اقتصاد کشاورزی و در ساختاری یکسان از نظر تولید و نیازها و مواد اولیه خدمات مرتبط کشورها یا وزارتخانه‌های کشاورزی و محیط‌زیست هر کدام به تفکیک شرح وظایف اداره می‌شوند. به زبان ساده، یک چتر کلی در حوزه بازرگانی پیش از تولید و بعد از آن و روش‌ها و رویکردهای مدرن تولید در مورد این مزارع کوچک‌مقیاس خانوادگی سایه افکنده و یک نظام هوشمند برای هماهنگی و پیوند آن‌ها با بازرگانی داخلی و خارجی وجود دارد.





اقتصاد مقیاس در مزرعه

بخش اول: کشاورزی خرده مالکی یا بنگاه های بزرگ؟

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، ساختار کشاورزی بر پایه مزارع کوچک و پراکنده شکل گرفته است. این الگو اگرچه از نظر اجتماعی امکان مشارکت تعداد زیادی از خانوارهای روستایی در تولید غذا را فراهم می کند، اما از منظر اقتصادی با چالش هایی جدی روبه روست. یکی از مهم ترین این چالش ها، نبود «اقتصاد مقیاس» در تولید است.

اقتصاد مقیاس به این معناست که با افزایش اندازه واحد تولید، هزینه متوسط تولید هر واحد محصول کاهش می یابد. در کشاورزی، این پدیده معمولاً از طریق استفاده کارآمدتر از ماشین آلات، مدیریت بهتر نهاده ها و امکان برنامه ریزی دقیق تر در تولید ظاهر می شود. در مقابل، زمین های کوچک و پراکنده اغلب اجازه چنین بهره وری ای را نمی دهند.

یکی از مهم ترین پیامدهای خرد بودن اراضی کشاورزی، محدود شدن امکان مکانیزاسیون است. بسیاری از ماشین آلات کشاورزی زمانی توجیه اقتصادی دارند که در سطح وسیع تری مورد استفاده قرار گیرند. وقتی زمین ها کوچک و قطعه قطعه باشند، هزینه خرید و نگهداری ماشین آلات برای کشاورزان بالا می رود و در نتیجه بهره وری نیروی کار کاهش می یابد.

چالش دیگر، مدیریت نهاده هاست. در مزارع بزرگ تر، امکان برنامه ریزی دقیق برای مصرف آب، کود و بذر بیشتر است و کشاورز می تواند از فناوری های نوین مانند سامانه های هوشمند آبیاری یا پایش مزرعه استفاده کند. اما در زمین های کوچک، هزینه اجرای چنین فناوری هایی نسبت به اندازه تولید بالا می رود.

در مزارع بزرگ، هزینه بسیاری از فعالیت ها میان سطح وسیع تری از تولید تقسیم می شود. برای مثال، هزینه خرید یک تراکتور یا کمباین در یک مزرعه بزرگ به ازای هر هکتار کمتر از مزرعه ای کوچک است. همچنین مدیریت عملیات هایی مانند آبیاری، کوددهی و برداشت در مقیاس وسیع تر امکان برنامه ریزی دقیق تر و استفاده از فناوری های جدید را فراهم می کند.

با این حال، رابطه میان اندازه مزرعه و بهره وری همیشه خطی نیست. در برخی مناطق، مزارع کوچک به دلیل مدیریت دقیق تر نیروی کار خانوادگی و توجه بیشتر به جزئیات مزرعه می توانند عملکرد بالایی داشته باشند. بنابراین پرسش اصلی نه صرفاً اندازه مزرعه، بلکه نحوه سازمان دهی تولید و دسترسی به منابع و فناوری است.

در بسیاری از کشورها، برای مواجهه با این مسئله مدل‌هایی مانند تعاونی‌های تولید، کشاورزی قراردادی یا اشتراک ماشین‌آلات کشاورزی به کار گرفته شده است. در این مدل‌ها، کشاورزان مالکیت زمین خود را حفظ می‌کنند اما برای تولید و استفاده از تجهیزات به شکل جمعی عمل می‌کنند.

در نهایت، آینده کشاورزی تا حد زیادی به توانایی نظام‌های تولید در ایجاد تعادل میان بهره‌وری اقتصادی و پایداری اجتماعی بستگی دارد. پرسش اصلی این است که چگونه می‌توان ساختار زمین و تولید را به گونه‌ای سازمان داد که هم بهره‌وری افزایش یابد و هم معیشت کشاورزان کوچک حفظ شود.

بخش دوم: خرد شدن زمین‌های کشاورزی؛ چالشی پنهان برای بهره‌وری تولید

در بسیاری از نظام‌های کشاورزی، یکی از مهم‌ترین مسائل ساختاری که کمتر به صورت مستقیم مورد توجه قرار می‌گیرد، پدیده خرد شدن زمین‌های کشاورزی است. این روند اغلب در طول زمان و به دلیل انتقال زمین از نسلی به نسل دیگر رخ می‌دهد. تقسیم زمین میان وارثان، اگرچه از نظر حقوقی و اجتماعی طبیعی به نظر می‌رسد، اما در بلندمدت می‌تواند ساختار تولید کشاورزی را با مشکلات جدی مواجه کند.

با گذشت نسل‌ها، قطعات زمین کوچک‌تر و پراکنده‌تر می‌شوند. یک مزرعه که زمانی یکپارچه و قابل مدیریت بوده است، ممکن است به چندین قطعه کوچک تبدیل شود که در نقاط مختلف یک روستا یا حتی مناطق دورتر قرار دارند. این پراکندگی، مدیریت مزرعه را دشوارتر و هزینه‌های تولید را بیشتر می‌کند.

یکی از نخستین پیامدهای خرد شدن زمین‌ها، کاهش بهره‌وری در تولید است. در زمین‌های کوچک، برنامه‌ریزی برای کشت، آبیاری و برداشت محصول اغلب با محدودیت‌هایی همراه است. کشاورز مجبور است زمان و انرژی بیشتری برای مدیریت قطعات مختلف صرف کند و در بسیاری از موارد امکان استفاده از روش‌های نوین مدیریتی کاهش می‌یابد.

از سوی دیگر، خرد شدن زمین‌ها تأثیر مستقیمی بر مکانیزاسیون کشاورزی دارد. بسیاری از ماشین‌آلات کشاورزی برای کار در مزارع وسیع و نسبتاً یکپارچه طراحی شده‌اند. زمانی که زمین‌ها کوچک و نامنظم باشند، استفاده از این ماشین‌آلات با دشواری همراه می‌شود و کارایی آن‌ها کاهش می‌یابد. در چنین شرایطی، هزینه خرید و نگهداری تجهیزات مکانیزه برای کشاورزان توجیه اقتصادی کمتری پیدا می‌کند.

این وضعیت همچنین بر روند سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی اثر می‌گذارد. سرمایه‌گذاری در فناوری‌های جدید، سیستم‌های آبیاری مدرن یا زیرساخت‌های تولید معمولاً نیازمند مقیاس مشخصی از زمین است. زمین‌های کوچک و پراکنده





جذابیت کمتری برای سرمایه‌گذاران دارند، زیرا بازگشت سرمایه در چنین واحدهایی با عدم قطعیت بیشتری همراه است.

در نتیجه، خرد شدن اراضی می‌تواند به تدریج شکاف میان کشاورزی سنتی و کشاورزی مدرن را عمیق‌تر کند. در حالی که مزارع بزرگ‌تر قادرند از فناوری، مکانیزاسیون و مدیریت پیشرفته بهره ببرند، بسیاری از واحدهای کوچک با محدودیت منابع و امکانات روبه‌رو می‌شوند.

به همین دلیل، در برخی کشورها سیاست‌هایی برای مدیریت این روند در نظر گرفته شده است. برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی، ایجاد تعاونی‌های تولید یا توسعه خدمات مکانیزاسیون مشترک از جمله راهکارهایی هستند که می‌توانند بخشی از آثار منفی خرد شدن زمین‌ها را کاهش دهند.

در نهایت، مسئله خرد شدن زمین‌های کشاورزی تنها یک موضوع فنی یا حقوقی نیست، بلکه مسئله‌ای اقتصادی و ساختاری است که می‌تواند بر آینده بهره‌وری تولید غذا و پایداری نظام‌های کشاورزی تأثیر بگذارد. توجه به این موضوع و طراحی راهکارهای مناسب برای مدیریت آن، یکی از الزامات مهم توسعه کشاورزی در بسیاری از کشورها به شمار می‌آید.

بخش سوم: مدل‌های جایگزین برای زمین‌های کوچک؛ راهی برای عبور از محدودیت مقیاس

در برابر چالش زمین‌های خرد، بسیاری از نظام‌های کشاورزی به دنبال راهکارهایی هستند که بدون از بین بردن مالکیت کشاورزان کوچک، امکان بهره‌گیری از مزایای اقتصاد مقیاس را فراهم کنند.

یکی از مهم‌ترین این الگوها، تعاونی‌های تولید کشاورزی است. در این مدل، کشاورزان مالکیت زمین خود را حفظ می‌کنند، اما بخشی از فعالیت‌های تولیدی و اقتصادی را به صورت مشترک انجام می‌دهند. تعاونی‌ها می‌توانند در زمینه خرید نهاده‌هایی مانند بذر، کود و سم فعالیت کنند و از طریق خرید عمده هزینه‌ها را کاهش دهند. همچنین استفاده مشترک از ماشین‌آلات کشاورزی، مدیریت آبیاری و حتی بازاریابی محصولات از طریق تعاونی می‌تواند قدرت اقتصادی کشاورزان کوچک را افزایش دهد. تجربه بسیاری از کشورها نشان می‌دهد که تعاونی‌ها در صورت مدیریت کارآمد می‌توانند پلی میان کشاورزی خرده‌مالکی و نظام‌های تولید در مقیاس بزرگ باشند.

مدل دوم، کشاورزی قراردادی است. در این سیستم، شرکت‌های فرآوری، صادرکنندگان یا صنایع غذایی با کشاورزان قرارداد تولید منعقد می‌کنند. بر اساس این قراردادها، شرکت‌ها ممکن است نهاده‌های تولید، خدمات فنی یا حتی تأمین مالی را در اختیار کشاورزان قرار دهند و در مقابل محصول تولیدی را با شرایط مشخص خریداری کنند. این سازوکار می‌تواند ریسک بازار را برای کشاورزان کاهش دهد و امکان دسترسی آنان به فناوری، استانداردهای کیفی و بازارهای بزرگ‌تر را فراهم کند. در بسیاری از کشورها، تولید محصولات مانند سبزیجات صنعتی، دانه‌های روغنی و برخی محصولات صادراتی از طریق چنین قراردادهایی سازمان‌دهی می‌شود.

مدل سوم، شکل‌گیری شرکت‌های بزرگ کشت و صنعت است. این شرکت‌ها معمولاً در مقیاس وسیع فعالیت می‌کنند و زنجیره کامل تولید تا فرآوری و توزیع محصولات کشاورزی را مدیریت می‌کنند. در این ساختار، زمین‌ها ممکن است در مالکیت شرکت باشند یا از طریق اجاره و قراردادهای بلندمدت در اختیار آن قرار گیرند. شرکت‌های کشت و صنعت معمولاً از فناوری‌های پیشرفته، سیستم‌های مدیریتی مدرن و سرمایه‌گذاری گسترده استفاده می‌کنند و می‌توانند بهره‌وری بالاتری در تولید ایجاد کنند. با این حال، گسترش این مدل در برخی کشورها با بحث‌های اجتماعی و اقتصادی درباره نقش کشاورزان کوچک و تمرکز مالکیت زمین همراه بوده است.

در عمل، بسیاری از نظام‌های کشاورزی ترکیبی از این مدل‌ها را به کار می‌گیرند. تعاونی‌ها می‌توانند بستر همکاری میان کشاورزان کوچک را فراهم کنند، کشاورزی قراردادی پیوند میان تولیدکنندگان و بازار را تقویت می‌کند و شرکت‌های کشت و صنعت در برخی محصولات یا مناطق نقش مهمی در توسعه فناوری و سرمایه‌گذاری دارند.

آنچه در نهایت اهمیت دارد، طراحی ساختاری است که هم بهره‌وری تولید را افزایش دهد و هم امکان مشارکت کشاورزان کوچک در اقتصاد کشاورزی را حفظ کند. مدل‌های جایگزین برای زمین‌های کوچک در واقع تلاشی برای پاسخ دادن به این چالش هستند که چگونه می‌توان در شرایط مالکیت خرد، مزایای تولید در مقیاس بزرگ را به دست آورد.

بخش چهارم: مکانیزاسیون و اندازه مزرعه؛ محدودیت‌های اقتصادی زمین‌های خرد

مکانیزاسیون یکی از مهم‌ترین عوامل افزایش بهره‌وری در کشاورزی مدرن به شمار می‌رود. استفاده از ماشین‌آلات کشاورزی می‌تواند سرعت عملیات تولید را افزایش دهد، هزینه نیروی کار را کاهش دهد و دقت در انجام فعالیت‌هایی مانند کاشت، داشت و برداشت را بالا ببرد. با این حال، کارایی و صرفه اقتصادی بسیاری از ماشین‌آلات کشاورزی به اندازه مزرعه وابسته است.



یکی از مهم‌ترین دلایل این مسئله، هزینه بالای سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات کشاورزی است. تجهیزاتی مانند تراکتور، کمباین یا دستگاه‌های کاشت و برداشت مدرن قیمت بالایی دارند و معمولاً زمانی اقتصادی محسوب می‌شوند که در سطح وسیعی از زمین مورد استفاده قرار گیرند. در مزارع بزرگ، هزینه خرید و نگهداری این ماشین‌آلات میان هکتارهای بیشتری از زمین تقسیم می‌شود و هزینه متوسط تولید کاهش می‌یابد. اما در زمین‌های کوچک، همان هزینه ثابت بر سطح محدودی از تولید سرشکن می‌شود و در نتیجه استفاده از ماشین‌آلات توجیه اقتصادی کمتری پیدا می‌کند.

عامل مهم دیگر، شکل و پراکندگی قطعات زمین است. در بسیاری از مناطق، زمین‌های کشاورزی نه تنها کوچک هستند بلکه به صورت قطعات متعدد و در مکان‌های مختلف پراکنده‌اند. این وضعیت باعث می‌شود ماشین‌آلات کشاورزی زمان قابل توجهی را صرف جابجایی میان قطعات مختلف کنند. علاوه بر این، قطعات کوچک و نامنظم زمین ممکن است مانع حرکت آسان ماشین‌آلات بزرگ شوند و کارایی عملیاتی آن‌ها را کاهش دهند.

محدودیت در طراحی بسیاری از تجهیزات کشاورزی نیز در این زمینه نقش دارد. بخش قابل توجهی از ماشین‌آلات مدرن برای کار در مزارع نسبتاً وسیع و یکپارچه طراحی شده‌اند. این تجهیزات زمانی بیشترین کارایی را دارند که بتوانند در مسیرهای طولانی و بدون توقف حرکت کنند. در زمین‌های خرد، تکرار مداوم توقف، دور زدن و تغییر مسیر باعث کاهش سرعت عملیات و افزایش مصرف سوخت می‌شود.

پیامد این شرایط آن است که کشاورزان خرده‌مالک اغلب کمتر به سمت مکانیزاسیون کامل حرکت می‌کنند و در بسیاری از موارد همچنان به نیروی کار انسانی یا روش‌های نیمه‌مکانیزه متکی می‌مانند. این امر می‌تواند فاصله بهره‌وری میان مزارع بزرگ و کوچک را افزایش دهد.

برای کاهش این محدودیت‌ها، در برخی کشورها الگوهایمانند خدمات مکانیزاسیون مشترک توسعه یافته است. در این مدل، شرکت‌ها یا تعاونی‌ها مالک ماشین‌آلات هستند و کشاورزان در زمان نیاز از این تجهیزات استفاده می‌کنند. چنین رویکردی می‌تواند دسترسی کشاورزان کوچک به فناوری مکانیزه را افزایش دهد، بدون آنکه مجبور باشند هزینه کامل خرید ماشین‌آلات را متحمل شوند.

در نهایت، رابطه میان مکانیزاسیون و اندازه مزرعه نشان می‌دهد که ساختار زمین‌های کشاورزی تنها یک مسئله مالکیتی نیست، بلکه عاملی تعیین‌کننده در مسیر فناوری و بهره‌وری تولید کشاورزی به شمار می‌رود.



بخش پنجم: تجربه کشورهای دیگر در مدیریت زمین‌های کوچک

بسیاری از کشورها در مقطعی از توسعه کشاورزی خود با مسئله خرد شدن زمین‌های کشاورزی روبه‌رو بوده‌اند. تقسیم اراضی میان وارثان، رشد جمعیت روستایی و تغییرات تاریخی در نظام مالکیت زمین باعث شده است که در برخی مناطق، ساختار زمین‌های کشاورزی به سمت قطعات کوچک و پراکنده حرکت کند. با این حال، کشورها برای کاهش آثار منفی این روند راهکارهای متفاوتی را به کار گرفته‌اند. بررسی تجربه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد که ترکیبی از سیاست‌های حقوقی، اقتصادی و نهادی می‌تواند به بهبود کارایی تولید در چنین شرایطی کمک کند.

در بسیاری از کشورهای اروپایی، برنامه‌های یکپارچه‌سازی اراضی به عنوان یکی از ابزارهای اصلی اصلاح ساختار زمین اجرا شده است. در کشورهایی مانند آلمان، هلند و فرانسه، دولت‌ها در دوره‌های مختلف اقدام به تجمیع قطعات پراکنده زمین کرده‌اند. در این برنامه‌ها، زمین‌های کوچک و نامنظم که متعلق به کشاورزان مختلف بود، با همکاری دولت و مالکان دوباره سازمان‌دهی شد تا قطعات بزرگ‌تر و منظم‌تری ایجاد شود. در برخی موارد، دولت هزینه‌های مربوط به نقشه‌برداری، اصلاح مرزها و ایجاد زیرساخت‌هایی مانند جاده‌های مزرعه‌ای و شبکه‌های آبیاری را تأمین کرده است. نتیجه این سیاست‌ها افزایش امکان مکانیزاسیون و کاهش هزینه‌های تولید در بسیاری از مناطق روستایی بوده است.

در چین، ساختار مالکیت زمین با الگوی متفاوتی اداره می‌شود. زمین‌های کشاورزی به طور رسمی در مالکیت عمومی قرار دارند، اما حق بهره‌برداری آن‌ها در اختیار خانوارهای روستایی است. این ساختار باعث شده است که در دهه‌های گذشته بخش بزرگی از کشاورزی چین در قطعات کوچک خانوادگی انجام شود. با این حال، در سال‌های اخیر سیاست‌هایی برای توسعه بازار اجاره زمین و انتقال حق بهره‌برداری اجرا شده است. از طریق این سازوکارها، برخی کشاورزان زمین خود را به دیگر تولیدکنندگان یا شرکت‌های کشاورزی اجاره می‌دهند و در نتیجه واحدهای تولیدی بزرگ‌تری شکل می‌گیرد. این روند امکان استفاده گسترده‌تر از ماشین‌آلات و فناوری‌های نوین را فراهم کرده است.

در کشورهای آمریکای لاتین نیز تجربه‌های متنوعی وجود دارد. در برخی کشورها مانند برزیل و آرژانتین، شرکت‌های بزرگ کشاورزی و کشت و صنعت‌ها نقش مهمی در سازمان‌دهی تولید ایفا می‌کنند. این شرکت‌ها معمولاً زمین‌های وسیعی را در اختیار دارند یا از طریق قراردادهای اجاره و مشارکت با کشاورزان فعالیت می‌کنند. در کنار این ساختارها، تعاونی‌های کشاورزی نیز در بسیاری از مناطق به کشاورزان کوچک کمک کرده‌اند تا در زمینه‌هایی مانند خرید نهاده‌ها، استفاده از ماشین‌آلات و بازاریابی محصولات با یکدیگر همکاری کنند.

تجربه این کشورها نشان می‌دهد که مدیریت زمین‌های کشاورزی کوچک تنها به تغییر در مالکیت زمین محدود نمی‌شود. ایجاد بازارهای فعال برای اجاره زمین، توسعه تعاونی‌های تولید، حمایت از خدمات مکانیزاسیون مشترک و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های روستایی همگی از ابزارهایی هستند که می‌توانند کارایی تولید در شرایط مالکیت خرد را افزایش دهند.

در نهایت، هیچ الگوی واحدی برای همه کشورها وجود ندارد. هر نظام کشاورزی باید با توجه به ساختار اجتماعی، قوانین مالکیت زمین و شرایط اقتصادی خود راهکارهای مناسب را طراحی کند. با این حال، تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد که حتی در شرایط زمین‌های کوچک نیز می‌توان از طریق سیاست‌های مناسب، بهره‌وری کشاورزی را به شکل قابل توجهی افزایش داد.



جریان زندگی در میادین میوه و تره بار

استمرار امید در روزهای دشوار

عکس ها از میدان میوه و تره بار آزادگان؛ علیرضا مصطفی لو

در دوران چهل روز جنگ که بسیاری از فعالیت های شهری با محدودیت روبه رو شدند، میدان میوه و تره بار آزادگان همچنان پر از رفت و آمد و جریان زندگی بود و هست. غرفه هایی که هر صبح باز می شوند، کامیون هایی که بار تازه تخلیه می کنند و صدای چانه زدن خریداران و فروشندگان، تصویری زنده از تداوم حیات شهری در دل ناآرامی ها به نمایش می گذارد.

این میدان، تنها محل خرید و فروش نیست؛ بلکه نشانه ای از پایداری شبکه تأمین غذا در شرایط بحرانی است. حضور منظم فروشندگان، ادامه توزیع میوه، سبزی و مواد غذایی تازه، و نگهداری نظم در قیمت ها، نتیجه تلاشی است که سازمان میادین میوه و تره بار برای حفظ امنیت غذایی شهروندان در سخت ترین روزها به خرج داده است.

در حالی که بسیاری از بخش های اقتصادی با وقفه روبه رو شده اند، جریان خرید از میدان آزادگان به شهر پیام پایداری و آرامش می دهد. این گزارش تصویری، وجه انسانی این استمرار را به تصویر می کشد؛ چهره هایی که در میان اضطراب ها هنوز لبخند می زنند، می فروشند، می خرند و زندگی را پیش می برند.





چگونه هزینه خوراک در دامداری‌های شیری را کاهش دهیم؟

خوراک دام بزرگ‌ترین بخش هزینه در دامداری‌های شیری است و در بسیاری از واحدهای تولیدی بیش از ۶۰ درصد هزینه تولید شیر را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل مدیریت صحیح تغذیه دام می‌تواند نقش مهمی در افزایش سودآوری دامداری داشته باشد. تجربه دامداران موفق در کشورهای مختلف نشان می‌دهد که با چند اقدام مدیریتی ساده می‌توان هزینه خوراک را کاهش داد، بدون آنکه تولید شیر کاهش پیدا کند.

یکی از مهم‌ترین نکات در مدیریت خوراک، کیفیت علوفه است. علوفه باکیفیت بالا مانند سیلوی ذرت مناسب یا یونجه مرغوب، قابلیت هضم بهتری دارد و انرژی بیشتری در اختیار دام قرار می‌دهد. هنگامی که کیفیت علوفه بالا باشد، دامدار می‌تواند مقدار کمتری کنسانتره مصرف کند و در نتیجه هزینه خوراک کاهش می‌یابد.

نکته مهم دیگر تنظیم دقیق جیره غذایی است. جیره دام باید متناسب با مرحله تولید تنظیم شود. برای مثال نیاز غذایی گاوهای اوایل شیردهی با گاوهایی که در اواخر دوره شیردهی هستند متفاوت است. استفاده از یک جیره ثابت برای همه دام‌ها معمولاً باعث مصرف بیش از حد خوراک و افزایش هزینه‌ها می‌شود. در بسیاری از دامداری‌های پیشرفته، دام‌ها بر اساس میزان تولید شیر در گروه‌های مختلف قرار می‌گیرند و جیره هر گروه به طور جداگانه تنظیم می‌شود.

کاهش ضایعات خوراک نیز نقش مهمی در کاهش هزینه‌ها دارد. در برخی دامداری‌ها بخشی از خوراک هنگام توزیع یا به دلیل طراحی نامناسب آخورها هدر می‌رود. استفاده از آخورهای مناسب، تنظیم مقدار خوراک روزانه و جمع‌آوری خوراک باقیمانده می‌تواند از اتلاف خوراک جلوگیری کند.

نگهداری مناسب علوفه نیز اهمیت زیادی دارد. اگر سیلو به درستی بسته نشود یا علوفه در معرض رطوبت و هوا قرار گیرد، کیفیت آن کاهش پیدا می‌کند و بخشی از خوراک از بین می‌رود. مدیریت صحیح سیلو و انبار علوفه می‌تواند از این نوع تلفات جلوگیری کند.

در نهایت باید توجه داشت که هدف از مدیریت خوراک تنها کاهش هزینه نیست، بلکه افزایش کارایی تولید است. دامداری‌هایی که جیره غذایی دام را به شکل علمی مدیریت می‌کنند معمولاً علاوه بر کاهش هزینه خوراک، با افزایش تولید شیر نیز روبه‌رو می‌شوند. به همین دلیل تغذیه صحیح دام را می‌توان یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت اقتصادی در دامداری‌های شیری دانست.



پنج خطای رایج در پرورش مرغ گوشتی

که سود مرغدار را کاهش می دهد

پرورش مرغ گوشتی یکی از سریع ترین و پویاترین بخش های تولید محصولات دامی است. با این حال سودآوری این فعالیت تا حد زیادی به مدیریت صحیح سالن های پرورش بستگی دارد. تجربه مرغداران در کشورهای مختلف نشان می دهد که برخی اشتباهات مدیریتی می تواند به سرعت باعث کاهش رشد گله، افزایش تلفات و در نهایت کاهش سود تولیدکننده شود.

یکی از رایج ترین خطاها مدیریت نامناسب دما در سالن است. جوجه های یک روزه به دمای نسبتاً بالا نیاز دارند و اگر سالن به اندازه کافی گرم نباشد، رشد جوجه ها کند می شود. در مقابل، دمای بیش از حد نیز می تواند باعث استرس حرارتی و کاهش مصرف خوراک شود. تنظیم دقیق دمای سالن در هفته های اول پرورش نقش بسیار مهمی در عملکرد گله دارد.

خطای دوم تهویه نامناسب سالن است. تهویه ضعیف باعث تجمع گازهای ممانند آمونیاک می شود که می تواند به دستگاه تنفسی پرندگان آسیب بزند. هوای تازه و گردش مناسب هوا نه تنها سلامت گله را حفظ می کند بلکه به بهبود رشد و کاهش بیماری ها نیز کمک می کند.

تراکم بیش از حد در سالن نیز از مشکلات رایج در برخی مرغداری ها است. زمانی که تعداد پرندگان در واحد سطح زیاد باشد، رقابت برای دسترسی به خوراک و آب افزایش می یابد و احتمال بروز بیماری ها نیز بیشتر می شود. رعایت تراکم مناسب به بهبود یکنواختی گله و افزایش عملکرد تولید کمک می کند.

مدیریت نامناسب آبخوری ها یکی دیگر از خطاهای مهم است. آب تمیز و در دسترس برای رشد مناسب جوجه ها ضروری است. اگر ارتفاع آبخوری ها مناسب نباشد یا فشار آب تنظیم نشود، مصرف آب کاهش می یابد و در نتیجه مصرف خوراک نیز کمتر می شود.

در نهایت برنامه نامناسب تغذیه می تواند عملکرد گله را تحت تأثیر قرار دهد. استفاده از دان باکیفیت و تنظیم برنامه تغذیه بر اساس سن پرندگان نقش مهمی در دستیابی به وزن مطلوب در پایان دوره پرورش دارد.

تجربه نشان می دهد که بسیاری از مشکلات تولید در مرغداری ها با رعایت اصول ساده مدیریتی قابل پیشگیری است. توجه دقیق به شرایط محیطی سالن، کیفیت خوراک و مدیریت صحیح گله می تواند نقش مهمی در افزایش بهره وری و سودآوری واحدهای مرغداری داشته باشد.

افزایش عملکرد گندم با مدیریت دقیق مزرعه

گندم یکی از مهم‌ترین محصولات زراعی در بسیاری از کشورها از جمله ایران است و نقش اساسی در تأمین امنیت غذایی دارد. در شرایطی که منابع آب و زمین محدود است، افزایش عملکرد در واحد سطح به یکی از مهم‌ترین اهداف مدیریت مزارع گندم تبدیل شده است. تجربه کشاورزان موفق نشان می‌دهد که با رعایت چند اصل مدیریتی می‌توان عملکرد این محصول را به طور قابل توجهی افزایش داد.

یکی از مهم‌ترین عوامل موفقیت در تولید گندم، انتخاب زمان مناسب کاشت است. کاشت زود هنگام یا دیر هنگام می‌تواند باعث کاهش رشد گیاه و در نهایت کاهش عملکرد شود. زمان کاشت باید بر اساس شرایط اقلیمی منطقه و نوع رقم انتخاب شود تا گیاه بتواند مراحل رشد خود را در شرایط مناسب طی کند.

تغذیه متعادل گیاه نیز نقش مهمی در افزایش عملکرد دارد. گندم برای رشد مناسب به عناصر غذایی مختلفی نیاز دارد که مهم‌ترین آن‌ها نیتروژن، فسفر و پتاسیم است. استفاده از کودها باید بر اساس آزمون خاک و نیاز واقعی گیاه انجام شود. مصرف بیش از حد کود نه تنها هزینه تولید را افزایش می‌دهد بلکه ممکن است به کاهش کارایی مصرف کود نیز منجر شود.

مدیریت علف‌های هرز از دیگر عوامل مهم در تولید گندم است. علف‌های هرز با گیاه اصلی برای آب، نور و مواد غذایی رقابت می‌کنند و در صورت کنترل نشدن می‌توانند عملکرد محصول را به طور قابل توجهی کاهش دهند. استفاده به موقع از روش‌های مکانیکی یا شیمیایی کنترل علف‌های هرز می‌تواند به حفظ عملکرد مزرعه کمک کند.

آبیاری صحیح نیز در بسیاری از مناطق نقش تعیین‌کننده‌ای در تولید گندم دارد. آبیاری در مراحل حساس رشد مانند پنجه‌زنی، ساقه رفتن و پر شدن دانه اهمیت ویژه‌ای دارد. مدیریت مناسب آبیاری می‌تواند علاوه بر





اقتصاد صنعت دام و طیور در ایران؛ از بحران نهاده‌های خوراک تا نوسان بازار و فرصت‌های صادراتی

گزارش تحلیلی از محدثه بیگ زاده

اقتصاد خوراک دام؛ گره راهبردی صنعت دام و طیور

در ساختار اقتصادی تولید محصولات دامی، خوراک دام مهم‌ترین و پرهزینه‌ترین نهاده تولید محسوب می‌شود. در بسیاری از واحدهای دامداری و مرغداری، سهم خوراک در هزینه تمام‌شده تولید گاهی به بیش از ۶۰ تا ۷۰ درصد می‌رسد. به همین دلیل هرگونه تغییر در بازار نهاده‌هایی مانند ذرت، جو و کنجاله سویا، به سرعت خود را در قیمت گوشت، مرغ، تخم‌مرغ و لبنیات نشان می‌دهد.

ساختار تأمین نهاده در ایران به شدت به واردات وابسته است. بخش بزرگی از ذرت دامی و کنجاله سویا از بازارهای جهانی تأمین می‌شود و همین موضوع باعث شده است که صنعت دام و طیور به طور مستقیم تحت تأثیر نوسانات نرخ ارز و شرایط تجارت جهانی قرار گیرد. در سال‌هایی که نرخ ارز افزایش می‌یابد یا واردات با محدودیت مواجه می‌شود، هزینه خوراک دام افزایش پیدا می‌کند و در نتیجه هزینه تولید محصولات دامی نیز بالا می‌رود.

این وابستگی وارداتی از منظر امنیت غذایی نیز اهمیت دارد. اگر در مقاطعی تأمین نهاده‌های دامی با اختلال مواجه شود، تولید گوشت و مرغ نیز دچار نوسان خواهد شد. به همین دلیل بسیاری از کشورها تلاش می‌کنند بخشی از نهاده‌های مورد نیاز صنعت دام و طیور خود را در داخل تولید کنند یا با ایجاد ذخایر راهبردی، ریسک اختلال در عرضه را کاهش دهند.

در کنار مسئله واردات، ساختار توزیع نهاده‌ها نیز در عملکرد این بازار نقش مهمی دارد. در سال‌های اخیر تلاش‌هایی برای ایجاد سامانه‌های توزیع و نظارت بر نهاده‌های دامی انجام شده است تا نهاده‌ها با قیمت مناسب به دست تولیدکنندگان برسد. با این حال تجربه نشان می‌دهد که کارآمدی نظام توزیع، شفافیت در بازار و دسترسی پایدار تولیدکنندگان به خوراک دام، از عوامل تعیین‌کننده در ثبات تولید محصولات دامی است.

در مجموع می‌توان گفت که اقتصاد خوراک دام یکی از حلقه‌های کلیدی در زنجیره تولید غذاست. هر سیاستی که بتواند تأمین پایدار و اقتصادی نهاده‌های دامی را تضمین کند، در عمل به ثبات بازار محصولات دامی و امنیت غذایی کشور کمک خواهد کرد.

چرا بازار مرغ همواره با نوسان قیمت مواجه است؟

مرغ در سبد غذایی خانوارهای ایرانی یکی از مهم‌ترین منابع پروتئین محسوب می‌شود. با این حال بازار این محصول در سال‌های مختلف بارها با نوسانات شدید قیمتی مواجه بوده است؛ گاهی افزایش سریع قیمت و در برخی دوره‌ها نیز کاهش شدید و زیان تولیدکنندگان. این چرخه‌های نوسان قیمتی یکی از ویژگی‌های ساختاری صنعت مرغداری در بسیاری از کشورهاست، اما در ایران شدت این نوسانات بیشتر به چشم می‌خورد.

یکی از دلایل اصلی این وضعیت، کوتاه بودن دوره تولید در صنعت مرغداری است. از زمان جوجه‌ریزی تا عرضه مرغ به بازار معمولاً حدود ۴۵ روز طول می‌کشد. این ویژگی باعث می‌شود که تولیدکنندگان در واکنش به تغییرات قیمت بازار به سرعت تصمیم به افزایش یا کاهش تولید بگیرند. هنگامی که قیمت مرغ افزایش می‌یابد، بسیاری از مرغداران جوجه‌ریزی را افزایش می‌دهند. اما چند هفته بعد با افزایش عرضه، بازار با مازاد تولید مواجه می‌شود و قیمت‌ها کاهش می‌یابد.

عامل مهم دیگر در نوسانات بازار مرغ، هزینه خوراک دام است. افزایش قیمت ذرت و کنجاله سویا به سرعت هزینه تولید مرغ را بالا می‌برد و در صورت عدم تعدیل قیمت فروش، فشار اقتصادی بر مرغداران افزایش می‌یابد. در چنین شرایطی برخی واحدها تولید خود را کاهش می‌دهند و همین مسئله در دوره‌های بعدی به کاهش عرضه و افزایش قیمت منجر می‌شود.

سیاست‌های تنظیم بازار نیز در این میان نقش مهمی دارند. دولت‌ها معمولاً برای جلوگیری از افزایش شدید قیمت مرغ، از ابزارهایی مانند تعیین قیمت مصوب، توزیع نهاده یارانه‌ای یا واردات استفاده می‌کنند. اگر این سیاست‌ها با زمان‌بندی مناسب و اطلاعات دقیق از وضعیت تولید اجرا نشوند، ممکن است خود به عاملی برای تشدید نوسانات بازار تبدیل شوند.

تجربه کشورهای مختلف نشان می‌دهد که ثبات در بازار مرغ تا حد زیادی به وجود نظام اطلاعاتی دقیق، برنامه‌ریزی تولید و هماهنگی میان حلقه‌های مختلف زنجیره تولید وابسته است. هرچه تصمیم‌گیری در این صنعت مبتنی بر داده‌های واقعی‌تر و پیش‌بینی دقیق‌تر از عرضه و تقاضا باشد، احتمال بروز نوسانات شدید قیمتی نیز کاهش خواهد یافت.

دامداری ایران در مسیر گذار؛ از واحدهای سنتی تا تولید صنعتی

دامداری در ایران تاریخی طولانی دارد و بخش مهمی از تولید گوشت و لبنیات کشور برای دهه‌های متمادی در واحدهای کوچک و سنتی انجام می‌شده است. با این حال طی چند دهه گذشته ساختار این بخش به تدریج در حال تغییر بوده و واحدهای دامداری صنعتی سهم بیشتری در تولید محصولات دامی به دست آورده‌اند.

دامداری سنتی معمولاً با تعداد محدود دام، استفاده از منابع محلی خوراک و سرمایه‌گذاری اندک فعالیت می‌کند. این نوع دامداری در بسیاری از مناطق روستایی نقش مهمی در معیشت خانوارها دارد. با این حال محدودیت‌هایی مانند بهره‌وری پایین، دسترسی محدود به فناوری و نوسانات شدید در تولید، از جمله چالش‌های این شیوه تولید به شمار می‌روند.

در مقابل، دامداری صنعتی با استفاده از مدیریت علمی، اصلاح نژاد، تغذیه دقیق و تجهیزات مدرن تلاش می‌کند بهره‌وری تولید را افزایش دهد. در این واحدها تولید شیر و گوشت معمولاً با راندمان بالاتر و هزینه تمام‌شده قابل پیش‌بینی‌تری انجام می‌شود. به همین دلیل در بسیاری از کشورها سهم دامداری صنعتی در تولید محصولات دامی به طور پیوسته افزایش یافته است.

در ایران نیز طی سال‌های اخیر توسعه دامداری‌های صنعتی به عنوان یکی از راهبردهای افزایش تولید و کاهش وابستگی به واردات محصولات دامی مورد توجه قرار گرفته است. با این حال این گذار ساختاری با چالش‌هایی نیز همراه است؛ از جمله تأمین سرمایه برای ایجاد واحدهای صنعتی، دسترسی پایدار به نهاده‌های خوراک دام و مدیریت بازار محصولات دامی.

در آینده احتمالاً ساختار دامداری کشور ترکیبی از واحدهای سنتی و صنعتی خواهد بود. سیاست‌های حمایتی اگر بتوانند بهره‌وری دامداری‌های کوچک را افزایش دهند و در عین حال زمینه توسعه واحدهای صنعتی کارآمد را فراهم کنند، می‌توانند به تقویت تولید داخلی و پایداری عرضه محصولات دامی کمک کنند.

اقتصاد تولید شیر؛ حلقه حساس زنجیره صنعت لبنیات

شیر خام مهم‌ترین ماده اولیه صنعت لبنیات است و قیمت آن تأثیر مستقیمی بر بازار محصولات لبنی مانند ماست، پنیر و شیر بسته‌بندی دارد. به همین دلیل تعیین قیمت شیر خام همواره یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری بخش کشاورزی محسوب می‌شود.

در ساختار هزینه تولید شیر، خوراک دام بزرگ‌ترین سهم را دارد. افزایش قیمت نهاده‌هایی مانند ذرت، جو و کنجاله سویا به سرعت هزینه تولید را برای دامداران بالا می‌برد. اگر قیمت خرید شیر خام متناسب با افزایش هزینه‌ها تعدیل نشود، دامداران با کاهش سودآوری مواجه می‌شوند و ممکن است بخشی از دام‌های شیری از چرخه تولید خارج شوند.

از سوی دیگر، صنایع لبنی نیز با چالش‌های خاص خود روبه‌رو هستند. افزایش قیمت شیر خام معمولاً به افزایش قیمت محصولات لبنی در بازار مصرف منجر می‌شود. اگر قدرت خرید مصرف‌کنندگان کاهش یابد، تقاضا برای محصولات لبنی نیز ممکن است کاهش پیدا کند و این مسئله فشار مضاعفی بر کل زنجیره تولید وارد می‌کند.

در چنین شرایطی سیاست‌گذار ناچار است میان منافع دامداران، صنایع لبنی و مصرف‌کنندگان نوعی تعادل برقرار کند. تعیین قیمت مناسب برای شیر خام، حمایت از بهره‌وری تولید در دامداری‌ها و بهبود کارایی زنجیره توزیع محصولات لبنی از جمله عواملی هستند که می‌توانند به پایداری این بازار کمک کنند.

اقتصاد تولید شیر در واقع نقطه تلاقی سه بخش مهم است: تولیدکنندگان دام، صنایع فرآوری و بازار مصرف. هرگونه عدم تعادل در این سه بخش می‌تواند به سرعت به نوسان در بازار لبنیات منجر شود.

فرصت‌های صادراتی محصولات دامی در بازارهای منطقه

بازار منطقه‌ای خاورمیانه و آسیای مرکزی یکی از مهم‌ترین مقاصد بالقوه برای صادرات محصولات کشاورزی و دامی محسوب می‌شود. بسیاری از کشورهای این منطقه به دلیل محدودیت منابع آب و زمین، بخشی از نیاز خود به محصولات غذایی را از طریق واردات تأمین می‌کنند. این وضعیت می‌تواند فرصت‌هایی برای تولیدکنندگان محصولات دامی در ایران ایجاد کند.

محصولاتی مانند لبنیات، تخم‌مرغ و در برخی دوره‌ها گوشت مرغ از جمله کالاهایی هستند که قابلیت حضور در بازارهای منطقه‌ای را دارند. نزدیکی جغرافیایی، اشتراکات فرهنگی در الگوی مصرف و هزینه حمل‌ونقل نسبتاً پایین از جمله مزیت‌هایی است که می‌تواند صادرات این محصولات را تسهیل کند.

با این حال توسعه صادرات محصولات دامی نیازمند چند پیش‌شرط مهم است. نخستین شرط، ثبات در تولید داخلی است. صادرات زمانی می‌تواند به طور پایدار ادامه یابد که تولید داخلی مازاد بر نیاز بازار داخلی باشد. در غیر این صورت هرگونه افزایش صادرات ممکن است به کمبود عرضه در بازار داخلی و افزایش قیمت‌ها منجر شود.

عامل مهم دیگر استانداردهای بهداشتی و کیفیت محصولات است. بسیاری از بازارهای منطقه‌ای برای واردات محصولات دامی مقررات مشخصی در زمینه سلامت دام، بسته‌بندی و استانداردهای بهداشتی دارند. توانایی رعایت این استانداردها نقش مهمی در گسترش صادرات خواهد داشت.

در نهایت زیرساخت‌های حمل‌ونقل و لجستیک نیز اهمیت زیادی دارند. صادرات محصولات دامی که اغلب فسادپذیر هستند نیازمند زنجیره سرد، حمل‌ونقل سریع و شبکه توزیع کارآمد است. هرچه این زیرساخت‌ها توسعه‌یافته‌تر باشد، امکان حضور پایدار در بازارهای منطقه‌ای نیز افزایش خواهد یافت.

در مجموع صادرات محصولات دامی می‌تواند به عنوان یکی از مسیرهای توسعه بخش دام و طیور در نظر گرفته شود؛ مسیری که علاوه بر ایجاد ارزش افزوده برای تولیدکنندگان، می‌تواند به تقویت جایگاه ایران در تجارت منطقه‌ای غذا نیز کمک کند.



بازار جهانی غلات و معادلات امنیت غذایی

تحلیل اقتصاد غلات و امنیت غذایی در نظام تجارت جهانی - سیاوش انصاری

تمرکز عرضه؛ چه کشورهایی غذای جهان را تأمین می‌کنند؟

بازار جهانی غلات یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت غذایی جهان است. محصولاتمانند گندم، ذرت و سویا بخش عمده‌ای از کالری مصرفی انسان و خوراک دام را تشکیل می‌دهند و تجارت آن‌ها نقشی تعیین‌کننده در ثبات قیمت مواد غذایی دارد. با این حال، ساختار این بازار به گونه‌ای است که بخش بزرگی از صادرات جهانی تنها در اختیار چند کشور محدود قرار دارد. این تمرکز عرضه باعث می‌شود که هرگونه اختلال در تولید یا صادرات این کشورها، تأثیر قابل توجهی بر قیمت‌ها و امنیت غذایی در سایر مناطق جهان داشته باشد.

در بازار جهانی گندم، چند صادرکننده بزرگ سهم اصلی تجارت بین‌المللی را در اختیار دارند. کشورهایمانند روسیه، اتحادیه اروپا، کانادا، ایالات متحده و استرالیا در مجموع بخش عمده صادرات گندم جهان را تأمین می‌کنند. در سال‌های اخیر روسیه به یکی از مهم‌ترین بازیگران این بازار تبدیل شده و سهم قابل توجهی از صادرات جهانی را به خود اختصاص داده است. تمرکز صادرات در این کشورها باعث شده است که تحولات اقلیمی، سیاست‌های صادراتی یا محدودیت‌های تجاری آن‌ها به سرعت در قیمت جهانی گندم منعکس شود.

بازار ذرت نیز ساختاری مشابه دارد، اما تمرکز آن حتی بیشتر است. ایالات متحده آمریکا بزرگ‌ترین تولیدکننده و یکی از اصلی‌ترین صادرکنندگان ذرت در جهان محسوب می‌شود. در کنار آن، کشورهایی مانند برزیل، آرژانتین و اوکراین نقش مهمی در تأمین نیاز بازار جهانی دارند. ذرت علاوه بر مصرف مستقیم انسانی، ماده اولیه مهمی در صنعت خوراک دام و تولید اتانول است و به همین دلیل نوسان در عرضه آن می‌تواند بر قیمت گوشت، لبنیات و بسیاری از محصولات غذایی دیگر نیز اثر بگذارد.

در مورد سویا، تمرکز عرضه از بسیاری جهات بیشتر از سایر غلات است. تجارت جهانی سویا عمدتاً در اختیار سه کشور اصلی قرار دارد: برزیل، ایالات متحده و آرژانتین. این سه کشور بخش بسیار بزرگی از صادرات



جهانی سویا و فرآورده‌های آن را تأمین می‌کنند. اهمیت سویا نه تنها به دلیل مصرف مستقیم آن، بلکه به خاطر نقش کلیدی در تولید خوراک دام و روغن نباتی است. رشد تقاضا برای گوشت در اقتصادهای در حال توسعه، به ویژه در شرق آسیا، باعث شده است که بازار جهانی سویا به شدت به تولید این چند کشور وابسته باشد.

تمرکز عرضه در بازار غلات پیامدهای اقتصادی و ژئواقتصادی مهمی دارد. از یک سو، کشورهایی که سهم بزرگی از صادرات را در اختیار دارند می‌توانند از این موقعیت برای تقویت نفوذ اقتصادی خود در بازارهای جهانی استفاده کنند. از سوی دیگر، کشورهایی که به واردات غلات وابسته‌اند در برابر نوسانات تولید یا محدودیت‌های صادراتی آسیب‌پذیرتر هستند. تجربه سال‌های اخیر نشان داده است که بحران‌های اقلیمی، اختلال در حمل‌ونقل یا تصمیمات سیاستی می‌تواند به سرعت تعادل بازار جهانی غذا را برهم بزند.

به همین دلیل، بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر تلاش کرده‌اند راهبردهای متنوعی برای کاهش ریسک تأمین غذا دنبال کنند. تنوع‌بخشی به منابع واردات، ایجاد ذخایر راهبردی غلات و سرمایه‌گذاری در تولید داخلی از جمله اقداماتی است که برای افزایش تاب‌آوری زنجیره تأمین غذا مورد توجه قرار گرفته است. در جهانی که تجارت غذا به شدت به چند تولیدکننده بزرگ وابسته است، درک ساختار بازار جهانی غلات به یکی از عناصر کلیدی سیاست‌گذاری در حوزه امنیت غذایی تبدیل شده است.

آسیب‌پذیری زنجیره تأمین غذا؛ وقتی اختلال در تجارت جهانی به گرانی غذا منجر می‌شود

زنجیره تأمین غذا شبکه‌ای پیچیده از تولید، ذخیره‌سازی، حمل‌ونقل، تجارت و توزیع است که محصولات کشاورزی را از مزارع به سفره مصرف‌کنندگان منتقل می‌کند. در اقتصاد جهانی امروز، بخش قابل توجهی از مواد غذایی از طریق تجارت بین‌المللی جابجا می‌شود و بسیاری از کشورها برای تأمین نیاز غذایی خود به واردات وابسته‌اند. در چنین ساختاری، هرگونه اختلال در حمل‌ونقل یا تجارت جهانی می‌تواند به سرعت بر قیمت مواد غذایی اثر بگذارد.

یکی از مهم‌ترین نقاط حساس این زنجیره، حمل‌ونقل دریایی است. بخش بزرگی از تجارت جهانی غلات، دانه‌های روغنی و خوراک دام از طریق کشتی‌های باری انجام می‌شود. اگر مسیرهای حمل‌ونقل با مشکل مواجه شوند—برای مثال به دلیل افزایش هزینه سوخت، محدودیت‌های بندری یا اختلال در تردد کشتی‌ها—هزینه انتقال کالا افزایش می‌یابد. این افزایش هزینه معمولاً به تدریج به قیمت نهایی مواد غذایی منتقل می‌شود و مصرف‌کنندگان در کشورهای واردکننده با قیمت‌های بالاتری روبه‌رو می‌شوند.

علاوه بر حمل‌ونقل، سیاست‌های تجاری نیز می‌توانند بر ثبات زنجیره تأمین غذا اثرگذار باشند. دوره‌هایی که قیمت جهانی غذا افزایش می‌یابد، برخی کشورها برای حفاظت از بازار داخلی خود صادرات محصولات کشاورزی را محدود می‌کنند. چنین تصمیم‌هایی می‌تواند عرضه در بازار جهانی را کاهش دهد و به افزایش بیشتر قیمت‌ها منجر شود. در شرایطی که بازار جهانی به چند صادرکننده اصلی وابسته است، حتی تصمیم یک یا دو کشور می‌تواند تعادل بازار را تغییر دهد.

عامل دیگر، اختلال در زیرساخت‌های لجستیکی است. بنادر، انبارهای ذخیره‌سازی، خطوط راه‌آهن و شبکه‌های جاده‌ای همگی نقش مهمی در انتقال مواد غذایی دارند. اگر یکی از این حلقه‌ها با مشکل مواجه شود—برای مثال ازدحام در بنادر یا کمبود کانتینرهای حمل—سرعت انتقال کالا کاهش می‌یابد. این تأخیرها می‌تواند به کمبود موقت عرضه در برخی بازارها و در نتیجه افزایش قیمت‌ها منجر شود.

در کنار این عوامل، افزایش نااطمینانی در بازار نیز نقش مهمی در شکل‌گیری نوسانات قیمتی دارد. زمانی که فعالان بازار احتمال اختلال در عرضه را احساس می‌کنند، رفتارهای احتیاطی مانند افزایش ذخیره‌سازی یا خریدهای پیش‌دستانه شکل می‌گیرد. این رفتارها خود می‌تواند فشار بیشتری بر بازار وارد کند و قیمت‌ها را بالاتر ببرد.

آسیب‌پذیری زنجیره تأمین غذا نشان می‌دهد که امنیت غذایی تنها به میزان تولید داخلی وابسته نیست، بلکه به پایداری شبکه جهانی تجارت و حمل‌ونقل نیز مرتبط است. به همین دلیل بسیاری از کشورها در سال‌های اخیر به دنبال راهبردهایی برای افزایش تاب‌آوری این زنجیره بوده‌اند؛ از جمله تنوع‌بخشی به مسیرهای واردات، توسعه ذخایر راهبردی و سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های لجستیکی.

در نهایت، تجربه بحران‌های اخیر در بازار جهانی غذا نشان می‌دهد که حتی اختلال‌های نسبتاً کوتاه‌مدت در تجارت یا حمل‌ونقل می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای قیمت مواد غذایی داشته باشد. در جهانی که کشورها بیش از گذشته به تجارت غذا وابسته شده‌اند، مدیریت ریسک در زنجیره تأمین به یکی از محورهای اصلی سیاست‌گذاری در حوزه امنیت غذایی تبدیل شده است.

استراتژی کشورها برای امنیت غذایی؛ از ذخایر استراتژیک تا تنوع در واردات

افزایش وابستگی کشورها به تجارت جهانی غذا باعث شده است که موضوع امنیت غذایی بیش از گذشته در کانون سیاست‌گذاری اقتصادی قرار گیرد. تجربه نوسانات شدید قیمت غذا در سال‌های اخیر نشان داده است که اتکا به یک منبع یا مسیر محدود برای تأمین مواد غذایی می‌تواند ریسک‌های قابل توجهی ایجاد کند. به همین دلیل بسیاری از دولت‌ها تلاش کرده‌اند با ترکیبی از سیاست‌های اقتصادی و تجاری، تاب‌آوری نظام تأمین غذا را افزایش دهند. سه راهبرد مهم در این زمینه شامل ایجاد ذخایر استراتژیک، تنوع‌بخشی به منابع واردات و تقویت تولید داخلی است.

یکی از رایج‌ترین ابزارهای سیاستی در حوزه امنیت غذایی، ایجاد ذخایر استراتژیک از کالاهای اساسی مانند گندم، برنج و ذرت است. این ذخایر به دولت‌ها امکان می‌دهد در دوره‌هایی که عرضه جهانی با اختلال مواجه می‌شود یا قیمت‌ها به سرعت افزایش می‌یابد، از منابع داخلی برای تنظیم بازار استفاده کنند. ذخایر استراتژیک همچنین می‌تواند نقش مهمی در مدیریت بحران‌های کوتاه‌مدت مانند خشکسالی، اختلال در حمل‌ونقل یا نوسانات شدید بازار ایفا کند. با این حال، نگهداری چنین ذخایری هزینه‌هایی مانند هزینه ذخیره‌سازی، مدیریت موجودی و احتمال کاهش کیفیت محصول را نیز به همراه دارد.

راهبرد دوم، تنوع‌بخشی به منابع واردات است. کشورهایی که بخش مهمی از نیاز غذایی خود را از خارج تأمین می‌کنند، تلاش می‌کنند وابستگی خود را به یک یا دو تأمین‌کننده محدود کاهش دهند. واردات از چند کشور مختلف یا از مناطق جغرافیایی متفاوت می‌تواند ریسک اختلال در عرضه را کاهش دهد. در صورتی که تولید یا صادرات یک کشور با مشکل مواجه شود، امکان جایگزینی آن با منابع دیگر وجود خواهد داشت. این سیاست در بسیاری از اقتصادهای واردکننده غذا به عنوان بخشی از مدیریت ریسک در بازارهای جهانی دنبال می‌شود.

سومین محور سیاستی، توسعه تولید داخلی در محصولات راهبردی است. برخی کشورها تلاش می‌کنند در کالاهای اساسی مانند غلات یا دانه‌های روغنی سطحی از خودکفایی یا خوداتکایی نسبی ایجاد کنند. هدف از این سیاست کاهش آسیب‌پذیری در برابر نوسانات بازار جهانی و تقویت امنیت عرضه در شرایط بحران است. با این حال، افزایش تولید داخلی همیشه به معنای کارایی اقتصادی بیشتر نیست و در برخی موارد ممکن است هزینه تولید در داخل کشور به مراتب بالاتر از قیمت واردات باشد. به همین دلیل سیاست‌گذاران معمولاً میان ملاحظات اقتصادی و ملاحظات امنیت غذایی نوعی توازن ایجاد می‌کنند.

در عمل، بسیاری از کشورها ترکیبی از این سه راهبرد را به کار می گیرند. ذخایر استراتژیک برای مدیریت بحران های کوتاه مدت، تنوع واردات برای کاهش ریسک های تجاری و تقویت تولید داخلی برای افزایش تاب آوری بلندمدت نظام غذایی مورد استفاده قرار می گیرد. تجربه جهانی نشان می دهد که امنیت غذایی در دنیای امروز نه تنها به میزان تولید، بلکه به کیفیت مدیریت زنجیره تأمین و سیاست های اقتصادی در حوزه تجارت و ذخیره سازی نیز وابسته است.

اقتصاد تجارت محصولات کشاورزی در منطقه؛ فرصت ها و چالش های صادرات محصولات باغی و زراعی

تجارت منطقه ای محصولات کشاورزی در سال های اخیر به یکی از محورهای مهم توسعه بخش کشاورزی تبدیل شده است. نزدیکی جغرافیایی کشورها، کاهش هزینه های حمل و نقل و شباهت های فرهنگی و مصرفی میان بازارهای همسایه، فرصت های قابل توجهی برای صادرات محصولات زراعی و باغی ایجاد کرده است. برای بسیاری از کشورها، بازارهای منطقه ای نخستین و در دسترس ترین مقصد برای توسعه صادرات کشاورزی محسوب می شوند.

در حوزه محصولات باغی، مزیت نسبی برخی کشورها به ویژه در تولید میوه های تازه، خشکبار و محصولات با ارزش افزوده بالا قابل توجه است. تنوع اقلیمی در برخی مناطق امکان تولید طیف گسترده ای از محصولات را فراهم کرده و این تنوع می تواند در بازارهای منطقه ای تقاضای قابل توجهی ایجاد کند. محصولاتی مانند پسته، خرما، سیب، مرکبات، انگور و انواع سبزی و صیفی در بسیاری از بازارهای همسایه از تقاضای پایدار برخوردارند. نزدیکی جغرافیایی نیز به صادرکنندگان این امکان را می دهد که محصولات تازه را با زمان حمل کوتاه تر و هزینه کمتر به بازار مصرف برسانند.

در بخش محصولات زراعی نیز فرصتهایی برای توسعه تجارت منطقه ای وجود دارد. محصولاتی مانند گندم، جو، ذرت، برنج یا دانه های روغنی بسته به شرایط تولید در هر کشور می توانند بخشی از تجارت منطقه ای را شکل دهند. برخی کشورها به دلیل شرایط اقلیمی یا محدودیت منابع آب قادر به تولید کافی این محصولات نیستند و به واردات از کشورهای همسایه متکی هستند. این وابستگی می تواند زمینه ای برای توسعه همکاری های تجاری در حوزه غذا فراهم کند.

با وجود این فرصت ها، صادرات محصولات کشاورزی با چالش های متعددی نیز روبه رو است. یکی از مهم ترین چالش ها، مسائل مربوط به زیرساخت های لجستیکی و زنجیره سرد است. بسیاری از محصولات باغی فسادپذیر هستند و برای حفظ کیفیت نیازمند حمل و نقل سریع و شرایط نگهداری مناسباند. کمبود امکانات سردخانه ای، ضعف در بسته بندی یا طولانی بودن فرآیندهای گمرکی می تواند بخشی از مزیت رقابتی صادرکنندگان را کاهش دهد.

چالش دیگر به استانداردهای کیفی و بهداشتی مربوط می شود. بسیاری از بازارها مقررات مشخصی درباره باقی مانده سموم، کیفیت بسته بندی و استانداردهای بهداشتی دارند. اگر تولیدکنندگان و صادرکنندگان نتوانند این الزامات را رعایت کنند، دسترسی به بازارهای صادراتی با محدودیت مواجه خواهد شد. در نتیجه، توسعه صادرات کشاورزی نیازمند سرمایه گذاری در بهبود کیفیت تولید، نظام های کنترل استاندارد و بسته بندی حرفه ای است.

عامل مهم دیگر، نوسانات سیاستی در تجارت محصولات کشاورزی است. در برخی موارد، تغییرات ناگهانی در مقررات صادرات یا واردات می تواند برنامه ریزی فعالان اقتصادی را دشوار کند. ثبات در سیاست های تجاری و ایجاد چارچوب های قابل پیش بینی برای صادرات می تواند نقش مهمی در توسعه تجارت منطقه ای محصولات کشاورزی ایفا کند.

در مجموع، اقتصاد تجارت محصولات کشاورزی در منطقه ترکیبی از فرصت ها و محدودیت ها را در بر می گیرد. از یک سو، نزدیکی جغرافیایی و تقاضای رو به رشد برای مواد غذایی فرصت مناسبی برای گسترش صادرات فراهم کرده است. از سوی دیگر، توسعه پایدار این تجارت نیازمند تقویت زیرساخت های حمل و نقل، ارتقای کیفیت تولید و ایجاد سیاست های تجاری با ثبات است. در صورت توجه به این عوامل، بازارهای منطقه ای می توانند به یکی از مهم ترین مسیرهای رشد بخش کشاورزی تبدیل شوند.



نقش لجستیک و مسیرهای تجاری در بازار غذا؛ اهمیت بنادر و هزینه‌های حمل‌ونقل محصولات کشاورزی

بازار جهانی غذا تنها به میزان تولید محصولات کشاورزی وابسته نیست، بلکه به همان اندازه به کارایی شبکه‌های حمل‌ونقل و لجستیک نیز وابسته است. در واقع، مسیرهایی که محصولات از مزارع تا بازارهای مصرف طی می‌کنند، بخشی تعیین‌کننده از اقتصاد غذا را شکل می‌دهند. بنادر، خطوط کشتیرانی، شبکه‌های حمل‌ونقل زمینی و زیرساخت‌های ذخیره‌سازی، همگی در تعیین قیمت نهایی و دسترسی کشورها به مواد غذایی نقش مهمی دارند.

بخش بزرگی از تجارت جهانی محصولات کشاورزی از طریق حمل‌ونقل دریایی انجام می‌شود. غلات، دانه‌های روغنی، شکر و بسیاری از کالاهای اساسی غذایی به وسیله کشتی‌های باری در مقیاس‌های بزرگ جابه‌جا می‌شوند. این روش حمل‌ونقل به دلیل ظرفیت بالا و هزینه نسبتاً پایین در مقایسه با سایر روش‌ها، ستون اصلی تجارت جهانی غذا به شمار می‌آید. بنادر بزرگ جهان در واقع گره‌های اصلی این شبکه هستند و کشورهایی که به بنادر کارآمد و مجهز دسترسی دارند، از مزیت قابل توجهی در تجارت محصولات کشاورزی برخوردارند.

زیرساخت‌های بندری در تعیین سرعت و هزینه انتقال کالا اهمیت زیادی دارند. ظرفیت تخلیه و بارگیری، امکانات ذخیره‌سازی، سیلوهای غلات و اتصال بنادر به شبکه‌های ریلی و جاده‌ای می‌تواند زمان انتقال محصولات را به طور قابل توجهی کاهش دهد. هرچه این زیرساخت‌ها کارآمدتر باشند، هزینه‌های لجستیکی کاهش یافته و رقابت‌پذیری محصولات در بازارهای جهانی افزایش می‌یابد.

در کنار بنادر، مسیرهای تجاری و خطوط کشتیرانی نیز نقش مهمی در بازار غذا ایفا می‌کنند. بسیاری از کالاهای اساسی کشاورزی از مسیرهای دریایی مشخصی عبور می‌کنند که به نوعی شریان‌های اصلی تجارت غذا محسوب می‌شوند. هرگونه اختلال در این مسیرها، چه به دلیل مشکلات فنی، چه افزایش هزینه‌های حمل‌ونقل یا محدودیت‌های تردد، می‌تواند به سرعت بر قیمت جهانی محصولات کشاورزی اثر بگذارد.

هزینه‌های حمل‌ونقل نیز بخش قابل توجهی از قیمت نهایی مواد غذایی در بازارهای واردکننده را تشکیل می‌دهد. افزایش قیمت سوخت، کمبود کشتی‌های باری یا افزایش تقاضا برای حمل‌ونقل می‌تواند هزینه انتقال کالا را بالا ببرد. در چنین شرایطی حتی اگر تولید جهانی محصولات کشاورزی افزایش یابد، بالا بودن هزینه‌های لجستیکی ممکن است مانع از کاهش قیمت در بازارهای مصرف شود.

در مورد محصولات باغی و کالاهای فسادپذیر، اهمیت لجستیک حتی بیشتر است. این محصولات نیازمند حمل سریع و شرایط نگهداری مناسب هستند و هرگونه تأخیر در فرآیند حمل‌ونقل می‌تواند منجر به کاهش کیفیت یا از بین رفتن محصول شود. به همین دلیل توسعه زنجیره سرد، سیستم‌های بسته‌بندی مناسب و مدیریت کارآمد حمل‌ونقل نقش مهمی در تجارت این محصولات دارد.

در مجموع، لجستیک و مسیرهای تجاری بخشی جدایی‌ناپذیر از اقتصاد جهانی غذا هستند. دسترسی به بنادر کارآمد، مسیرهای حمل‌ونقل امن و شبکه‌های توزیع کارآمد می‌تواند توان رقابتی کشورها در بازار محصولات کشاورزی را افزایش دهد. در مقابل، ضعف در زیرساخت‌های لجستیکی می‌تواند حتی در صورت وجود ظرفیت تولید بالا، مانعی جدی برای حضور مؤثر در بازارهای منطقه‌ای و جهانی ایجاد کند.



قیمت خرید تضمینی گندم؛ تعادل میان حمایت از تولید و مدیریت بازار غذا

فرانک مسعودی

اعلام قیمت خرید تضمینی گندم برای سال زراعی جدید همواره یکی از مهم‌ترین تصمیمات سیاستی در بخش کشاورزی به شمار می‌آید. تعیین قیمت ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومان برای هر کیلوگرم گندم، بار دیگر بحث‌های گسترده‌ای را در میان کشاورزان، کارشناسان و سیاست‌گذاران درباره کارآمدی این ابزار حمایتی و پیامدهای آن برای اقتصاد کشاورزی و امنیت غذایی کشور مطرح کرده است. گندم در بسیاری از کشورها یک محصول استراتژیک محسوب می‌شود و سیاست‌های حمایتی در این بخش، نه تنها بر درآمد کشاورزان بلکه بر ثبات بازار غذا نیز اثرگذار است.

قیمت خرید تضمینی در اصل ابزاری برای کاهش ریسک تولید در بخش کشاورزی است. کشاورزان پیش از آغاز فصل کشت با عدم قطعیت‌های متعددی مواجه‌اند؛ از نوسانات آب‌وهوا گرفته تا تغییرات قیمت در بازار. سیاست خرید تضمینی با تعیین یک قیمت مشخص، به کشاورزان اطمینان می‌دهد که محصول آنها در صورت عرضه به دولت با قیمتی از پیش تعیین شده خریداری خواهد شد. این سیاست به ویژه در مورد محصولاتی مانند گندم که نقش حیاتی در تأمین غذای جامعه دارند، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

یکی از مهم‌ترین معیارهای ارزیابی قیمت تضمینی، میزان تناسب آن با هزینه‌های تولید است. در سال‌های اخیر افزایش قیمت نهاده‌هایی مانند بذر، کود، سم، سوخت و هزینه‌های ماشین‌آلات کشاورزی باعث شده است که هزینه تولید گندم به طور قابل توجهی افزایش یابد. در چنین شرایطی اگر قیمت تضمینی پایین‌تر از هزینه واقعی تولید تعیین شود، انگیزه کشاورزان برای کشت این محصول کاهش می‌یابد و ممکن است بخشی از سطح زیر کشت به

سمت محصولات دیگر سوق پیدا کند. از این منظر، قیمت ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومانی زمانی می‌تواند نقش حمایتی مؤثر ایفا کند که بتواند حداقل حاشیه سود قابل قبولی برای تولیدکنندگان فراهم کند.

در کنار مسئله هزینه تولید، قیمت تضمینی گندم تأثیر مستقیمی بر الگوی کشت کشاورزان نیز دارد. گندم در بسیاری از مناطق کشور با محصولات دیگری مانند جو، کلزا یا برخی محصولات علوفه‌ای رقابت می‌کند. اگر قیمت تضمینی گندم نسبت به این محصولات جذاب‌تر باشد، کشاورزان تمایل بیشتری به کشت آن خواهند داشت و در نتیجه سطح زیر کشت افزایش می‌یابد. در مقابل، اگر اختلاف درآمد میان گندم و سایر محصولات به ضرر گندم باشد، ممکن است بخشی از تولیدکنندگان به سمت کشت‌های جایگزین حرکت کنند. به همین دلیل قیمت تضمینی عملاً به یکی از ابزارهای سیاستی برای هدایت الگوی کشت تبدیل شده است.

با این حال تعیین قیمت خرید تضمینی تنها یک مسئله تولیدی نیست، بلکه پیامدهای مالی قابل توجهی برای دولت نیز به همراه دارد. دولت در سال‌هایی که تولید گندم افزایش می‌یابد، باید منابع مالی بزرگی برای خرید این محصول از کشاورزان اختصاص دهد. هر چه قیمت تضمینی بالاتر باشد، بار مالی این سیاست نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه سیاست‌گذار ناگزیر است میان حمایت از تولید داخلی و محدودیت‌های بودجه‌ای نوعی تعادل برقرار کند. این مسئله به ویژه در شرایطی که دولت با محدودیت منابع مالی مواجه است، اهمیت بیشتری پیدا می‌کند.

عامل مهم دیگر در ارزیابی قیمت تضمینی، مقایسه آن با قیمت جهانی گندم است. در صورتی که قیمت داخلی فاصله زیادی با قیمت‌های جهانی داشته باشد، پیامدهای مختلفی ممکن است ایجاد شود. اگر قیمت داخلی پایین‌تر از قیمت جهانی باشد، انگیزه تولید کاهش می‌یابد و کشور ممکن است به واردات وابسته‌تر شود. در مقابل، اگر قیمت داخلی بسیار بالاتر از قیمت جهانی تعیین شود، هزینه تأمین گندم برای دولت افزایش می‌یابد و ممکن است فشار بیشتری بر منابع مالی عمومی وارد شود. بنابراین سیاست قیمت تضمینی باید به گونه‌ای طراحی شود که در عین حمایت از تولید داخلی، با واقعیت‌های بازار جهانی نیز تا حدی هماهنگ باشد.

یکی دیگر از چالش‌های مهم در اجرای سیاست خرید تضمینی، مسئله زمان پرداخت مطالبات کشاورزان است. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که حتی در مواردی که قیمت تضمینی مناسب تعیین شده، تأخیر در پرداخت مطالبات می‌تواند رضایت کشاورزان را کاهش دهد. کشاورزان برای تأمین هزینه‌های تولید فصل بعد به نقدینگی نیاز دارند و هرگونه تأخیر در پرداخت می‌تواند توان مالی آنها را تضعیف کند. از این رو کارآمدی سیاست خرید تضمینی تنها به سطح قیمت محدود نمی‌شود، بلکه به نحوه اجرای آن نیز وابسته است.

در نهایت، سیاست خرید تضمینی گندم را باید در چارچوب گسترده‌تر امنیت غذایی کشور ارزیابی کرد. بسیاری از دولت‌ها تلاش می‌کنند در تولید محصولات اساسی مانند گندم به سطحی از خوداتکایی دست یابند تا در شرایط بحران‌های جهانی یا اختلال در تجارت بین‌المللی با کمبود عرضه مواجه نشوند. در چنین چارچوبی، قیمت تضمینی می‌تواند یکی از ابزارهای مهم برای حفظ سطح تولید داخلی باشد.

قیمت ۴۹ هزار و ۵۰۰ تومانی گندم را می‌توان تلاشی برای ایجاد تعادل میان چند هدف مختلف دانست: حمایت از درآمد کشاورزان، حفظ انگیزه تولید، مدیریت منابع مالی دولت و تأمین امنیت غذایی کشور. موفقیت این سیاست در نهایت به این بستگی دارد که آیا این قیمت می‌تواند همزمان این اهداف را تا حد قابل قبولی محقق کند یا خیر. تجربه سال زراعی پیش رو نشان خواهد داد که این تصمیم تا چه اندازه در حفظ تولید گندم و ثبات بازار غذا مؤثر بوده است.





اقتصاد مصر و سیاست نان؛ از کانال سوئز تا امنیت غذایی

اقتصاد مصر ترکیبی از منابع راهبردی مانند کانال سوئز، گردشگری و کشاورزی است؛ اما در قلب این ساختار، سیاست نان و امنیت غذایی نقشی تعیین کننده در ثبات اقتصادی و اجتماعی کشور دارد.

این اقتصاد بر چند ستون اصلی استوار است:

۱. خدمات و به‌ویژه گردشگری

گردشگری یکی از منابع اصلی درآمد مصر است. آثار تاریخی مانند اهرام جیزه، معابد اقصر و اسوان، و همچنین سواحل دریای سرخ (شرم‌الشیخ و الغردقه) هر سال میلیون‌ها گردشگر جذب می‌کنند. در برخی سال‌ها گردشگری بیش از ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی مصر را تشکیل داده است.

۲. کانال سوئز

کانال سوئز یکی از مهم‌ترین منابع ارز خارجی مصر است. این کانال مسیر اصلی تجارت بین اروپا و آسیاست و کشتی‌های عبوری باید عوارض پردازند. درآمد کانال سوئز در سال‌های اخیر حدود ۸ تا ۱۰ میلیارد دلار در سال بوده است.

۳. حواله‌های کارگران مصری خارج از کشور

میلیون‌ها مصری در کشورهای خلیج فارس (عربستان، امارات، کویت و قطر) کار می‌کنند و پول به کشور می‌فرستند. این حواله‌ها یکی از بزرگ‌ترین منابع ارز خارجی مصر است و در برخی سال‌ها حتی از گردشگری هم بیشتر بوده و به ۲۰ تا ۳۰ میلیارد دلار در سال رسیده است.

۴. کشاورزی

کشاورزی هنوز نقش مهمی در اشتغال دارد، هرچند سهم آن در تولید ناخالص داخلی کمتر شده است. محصولات مهم شامل:

گندم، برنج، پنبه (مشهور تاریخی مصر)، مرکبات و سبزیجات صادراتی

کشاورزی حدود ۱۰ تا ۱۲ درصد اقتصاد مصر را تشکیل می‌دهد اما درصد زیادی از جمعیت روستایی در این بخش کار می‌کنند.

۵. نفت و گاز

مصر تولیدکننده مهم گاز طبیعی در شرق مدیترانه است. میدان گازی «ظهر» که در سال ۲۰۱۵ کشف شد، تولید گاز مصر را به شدت افزایش داد. مصر اکنون یکی از مراکز صادرات گاز مایع (LNG) در منطقه است.

۶. صنعت و تولید

بخش صنعتی شامل:

صنایع غذایی / نساجی / سیمان و مصالح ساختمانی / صنایع شیمیایی و کود

این بخش در حال رشد است اما هنوز به اندازه کشورهای صنعتی توسعه نیافته.

جمع‌بندی ساده:

اقتصاد مصر بیش از هر چیز به چهار منبع ارز خارجی وابسته است:

گردشگری، کانال سوئز، حواله کارگران خارج از کشور و گاز طبیعی

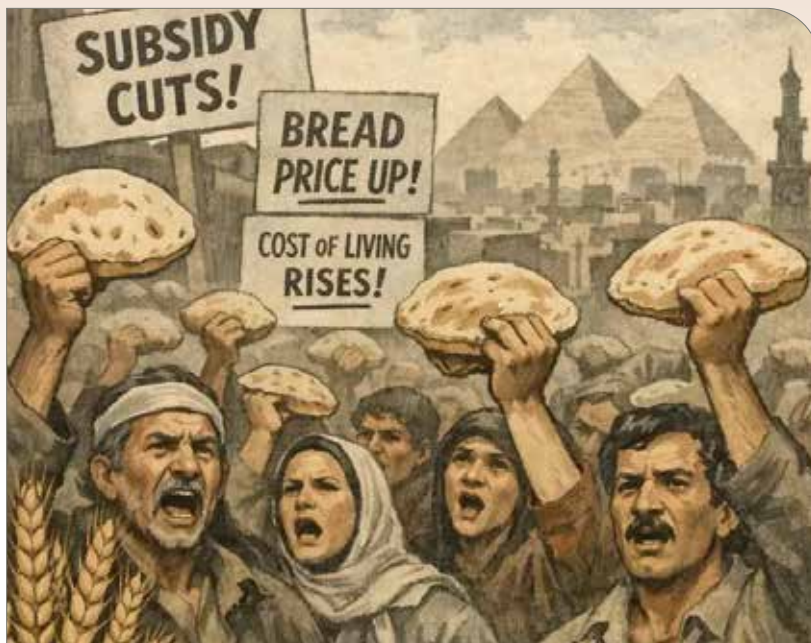
به همین دلیل اقتصاد مصر نسبت به تحولات جهانی (گردشگری، تجارت دریایی، قیمت انرژی) حساس است.

چرا کشاورزی در مصر اهمیتی فراتر از اقتصاد دارد؟

در بسیاری از کشورها سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی معیار اصلی اهمیت آن در اقتصاد ملی محسوب می‌شود. اما در مصر، کشاورزی جایگاهی فراتر از یک فعالیت اقتصادی دارد و در عمل به یکی از پایه‌های ثبات اجتماعی و سیاسی تبدیل شده است. دلیل این وضعیت، نقش حیاتی نان در سبد غذایی مردم و حساسیت بالای جامعه مصر نسبت به قیمت و دسترسی به آن است.

نان در مصر یک کالای معمولی نیست؛ بلکه مهم‌ترین غذای روزمره میلیون‌ها خانوار به شمار می‌آید. مصرف سرانه نان در این کشور بسیار بالاست و بخش بزرگی از کالری مصرفی مردم از طریق نان تأمین می‌شود. به همین دلیل هرگونه افزایش قیمت نان با اختلال در تأمین گندم می‌تواند به سرعت به یک مسئله اجتماعی تبدیل شود.





تجربه تاریخی مصر نشان می‌دهد که تغییر در سیاست‌های مرتبط با نان می‌تواند پیامدهای سیاسی جدی داشته باشد. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها به سال ۱۹۷۷ بازمی‌گردد؛ زمانی که دولت مصر در چارچوب اصلاحات اقتصادی و تحت فشار نهادهای مالی بین‌المللی تصمیم گرفت یارانه برخی کالاهای اساسی از جمله نان را کاهش دهد. اعلام این تصمیم موجی از اعتراضات گسترده در شهرهای مختلف کشور ایجاد کرد که به «شورش نان» مشهور شد. در نهایت دولت مجبور شد این سیاست را عقب‌نشینی کند و یارانه‌ها را دوباره برقرار سازد.

از آن زمان به بعد، دولت‌های مختلف مصر همواره با احتیاط بسیار به موضوع قیمت نان و سیاست‌های غذایی نگاه کرده‌اند. برنامه گسترده یارانه نان که میلیون‌ها نفر از آن استفاده می‌کنند، یکی از بزرگ‌ترین برنامه‌های حمایتی در این کشور است. این سیاست به دولت کمک می‌کند تا قیمت نان را برای اقشار کم‌درآمد پایین نگه دارد و از بروز نارضایتی گسترده جلوگیری کند.

در چنین شرایطی، کشاورزی و به‌ویژه تولید گندم در مصر اهمیتی فراتر از سهم اقتصادی خود پیدا می‌کند. هرچند سهم کشاورزی در تولید ناخالص داخلی مصر حدود ده تا دوازده درصد برآورد می‌شود، اما نقش آن در امنیت غذایی و ثبات اجتماعی بسیار بزرگ‌تر از این رقم است. دولت مصر ناچار است همواره تعادل حساسی میان تولید داخلی، واردات گندم و مدیریت یارانه نان برقرار کند.

از سوی دیگر، وابستگی بالای مصر به واردات گندم نیز این مسئله را پیچیده‌تر کرده است. این کشور سالانه میلیون‌ها تن گندم از بازارهای جهانی خریداری می‌کند و هرگونه افزایش قیمت جهانی یا اختلال در عرضه می‌تواند هزینه تأمین نان یارانه‌ای را به شدت افزایش دهد. بنابراین امنیت غذایی در مصر نه تنها به سیاست‌های داخلی، بلکه به تحولات بازار جهانی غلات نیز وابسته است.

در نهایت تجربه مصر نشان می‌دهد که اهمیت کشاورزی در برخی کشورها را نمی‌توان تنها با شاخص‌های اقتصادی سنجید. در جوامعی که غذاهای پایه مانند نان نقش مرکزی در زندگی مردم دارند، کشاورزی به طور مستقیم با ثبات اجتماعی و حتی مشروعیت سیاسی دولت‌ها گره می‌خورد. مصر نمونه‌ای روشن از این واقعیت است که امنیت غذایی، گاهی بسیار فراتر از یک مسئله اقتصادی صرف است.

گندم در ایران و مصر؛ دو الگوی متفاوت در سیاست امنیت غذایی

گندم در بسیاری از کشورهای خاورمیانه تنها یک محصول کشاورزی نیست، بلکه کالایی راهبردی است که مستقیماً با ثبات اقتصادی و اجتماعی ارتباط دارد. در کشورهایی که نان بخش مهمی از سبد غذایی خانوار را تشکیل می‌دهد، سیاست‌گذاری در حوزه گندم عملاً بخشی از سیاست امنیت غذایی محسوب می‌شود. در میان کشورهای منطقه، ایران و مصر دو نمونه قابل توجه هستند؛ کشورهایی با جمعیت بالا، سابقه طولانی در کشاورزی و وابستگی فرهنگی و غذایی به نان، اما با دو مسیر متفاوت در مدیریت تولید و تأمین گندم.

ایران طی دهه‌های اخیر تلاش کرده است با افزایش تولید داخلی، وابستگی خود به واردات گندم را کاهش دهد و به خودکفایی نسبی برسد. در مقابل، مصر سیاست متفاوتی را دنبال کرده و با تکیه بر واردات گسترده، نیاز داخلی خود

را تأمین می‌کند. این دو رویکرد متفاوت، تصویری روشن از دو الگوی سیاستی در حوزه امنیت غذایی ارائه می‌دهد.

در ایران گندم مهم‌ترین محصول زراعی محسوب می‌شود و هر ساله بخش بزرگی از اراضی کشاورزی کشور به کشت این محصول اختصاص می‌یابد. سیاست خرید تضمینی دولت یکی از ابزارهای اصلی حمایت از تولیدکنندگان است. دولت با تعیین قیمت خرید تضمینی، تلاش می‌کند انگیزه کشاورزان برای کشت گندم را حفظ کند و تولید داخلی را در سطحی نگه دارد که بخش عمده نیاز کشور از داخل تأمین شود. این سیاست در سال‌هایی که شرایط اقلیمی مناسب بوده، به افزایش تولید و حتی دستیابی به خودکفایی موقت در تولید گندم منجر شده است.

با این حال تولید گندم در ایران با محدودیت‌های مهمی نیز مواجه است. مهم‌ترین چالش، محدودیت منابع آب است. بخش قابل توجهی از تولید گندم در مناطق نیمه‌خشک و خشک انجام می‌شود و در بسیاری از مناطق وابستگی به بارش یا منابع آب زیرزمینی وجود دارد. به همین دلیل افزایش تولید گندم در ایران همواره با پرسش‌هایی درباره پایداری منابع آب و بهره‌وری کشاورزی همراه بوده است.

در مقابل، مصر با شرایط متفاوتی روبه‌روست. کشاورزی این کشور به طور تاریخی بر رودخانه نیل استوار بوده و بخش بزرگی از تولیدات کشاورزی در دلتای نیل انجام می‌شود. با وجود این مزیت آبی، محدودیت زمین قابل کشت و جمعیت بالای مصر باعث شده که تولید داخلی گندم پاسخگوی نیاز مصرفی این کشور نباشد. مصر سالانه میلیون‌ها تن گندم وارد می‌کند و در بسیاری از سال‌ها به عنوان بزرگ‌ترین واردکننده گندم در جهان شناخته می‌شود.

دولت مصر برای حفظ ثبات اجتماعی، برنامه گسترده‌ای برای یارانه نان اجرا می‌کند. نان در این کشور با قیمت یارانه‌ای در اختیار میلیون‌ها شهروند قرار می‌گیرد و تأمین پایدار گندم برای این برنامه اهمیت حیاتی دارد. به همین دلیل سیاست‌گذاران مصری بیش از آنکه بر خودکفایی کامل تمرکز کنند، بر تنوع‌بخشی به منابع واردات و مدیریت بازار جهانی گندم تأکید دارند.

در اینجا بعد ژئوپلیتیکی گندم اهمیت پیدا می‌کند. بخش مهمی از واردات گندم مصر از منطقه دریای سیاه، به ویژه روسیه و اوکراین، تأمین می‌شود. این وابستگی باعث شده است که تحولات سیاسی و اقتصادی در این منطقه مستقیماً بر بازار گندم مصر تأثیر بگذارد. بحران‌های ژئوپلیتیکی در سال‌های اخیر نشان داد که اختلال در صادرات گندم از دریای سیاه می‌تواند به سرعت قیمت نان و امنیت غذایی در مصر را تحت تأثیر قرار دهد.

در مقایسه با مصر، ایران به دلیل تأکید بر تولید داخلی تا حدی از نوسانات بازار جهانی گندم فاصله گرفته است. اما این رویکرد نیز هزینه‌های خاص خود را دارد. تولید گندم در شرایط محدودیت آب و بهره‌وری نسبتاً پایین در برخی مناطق می‌تواند فشار بیشتری بر منابع طبیعی وارد کند و هزینه تولید داخلی را افزایش دهد.

به همین دلیل مقایسه تجربه ایران و مصر نشان می‌دهد که سیاست امنیت غذایی در حوزه گندم می‌تواند مسیرهای متفاوتی داشته باشد. یک مسیر بر افزایش تولید داخلی و کاهش وابستگی به واردات تمرکز دارد و مسیر دیگر بر مدیریت هوشمند واردات و استفاده از بازار جهانی برای تأمین نیاز داخلی است.

برای سیاست‌گذاران کشاورزی در منطقه، تجربه این دو کشور یادآور یک نکته مهم است: امنیت غذایی تنها به میزان تولید داخلی وابسته نیست، بلکه به ترکیبی از عوامل شامل بهره‌وری تولید، مدیریت منابع طبیعی، دسترسی به بازارهای جهانی و طراحی سیاست‌های حمایتی کارآمد بستگی دارد. در نهایت موفقیت هر کشور در تأمین پایدار گندم به توانایی آن در ایجاد تعادل میان این عوامل وابسته خواهد بود.





سازمان تجارت جهانی (WTO) و جایگاه ایران در نظام تجارت بین الملل

سازمان تجارت جهانی (World Trade Organization – WTO) یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌المللی در حوزه تنظیم و تسهیل تجارت میان کشورها است. این سازمان با هدف ایجاد نظامی شفاف، قابل پیش‌بینی و مبتنی بر قواعد برای تجارت جهانی فعالیت می‌کند و نقش مهمی در کاهش موانع تجاری، توسعه همکاری‌های اقتصادی و حل اختلافات تجاری میان کشورها دارد. در دنیای امروز که اقتصادها به طور فزاینده‌ای به یکدیگر وابسته شده‌اند، وجود نهادی که چارچوب مشترکی برای روابط تجاری کشورها فراهم کند اهمیت بسیاری دارد.

تاریخچه شکل‌گیری

ریشه‌های تأسیس سازمان تجارت جهانی به تحولات اقتصادی پس از پایان جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. در آن زمان بسیاری از کشورها به این نتیجه رسیدند که برای جلوگیری از بحران‌های اقتصادی و تنش‌های تجاری، باید قواعد مشترکی برای تجارت بین‌المللی ایجاد شود. در همین راستا، در سال ۱۹۴۷ «توافقنامه عمومی تعرفه و تجارت» (GATT) با هدف کاهش تعرفه‌ها و تسهیل تجارت میان کشورها شکل گرفت. این توافقنامه طی چند دهه به عنوان مهم‌ترین چارچوب تنظیم‌کننده تجارت بین‌المللی عمل کرد و چندین دور مذاکره برای کاهش تعرفه‌ها و موانع تجاری در قالب آن برگزار شد.

با گسترش تجارت جهانی و پیچیده‌تر شدن روابط اقتصادی میان کشورها، به تدریج نیاز به ایجاد یک سازمان رسمی و قدرتمندتر برای مدیریت این نظام احساس شد. در نتیجه، مذاکرات گسترده‌ای موسوم به «دور اروگوئه» (Uruguay Round) از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۴ میان کشورهای مختلف برگزار شد. این مذاکرات یکی از طولانی‌ترین و مهم‌ترین مذاکرات تجاری بین‌المللی به شمار می‌رود. نتیجه این فرآیند، تأسیس سازمان تجارت جهانی بود که به طور رسمی از اول ژانویه ۱۹۹۵ فعالیت خود را آغاز کرد.

برخلاف GATT که صرفاً یک توافقنامه چندجانبه بود، سازمان تجارت جهانی به عنوان یک نهاد بین‌المللی دارای ساختار سازمانی مشخص، دبیرخانه دائمی در ژنو و سازوکارهای حقوقی برای نظارت بر اجرای توافقات تجاری است. این سازمان همچنین دارای نظام نسبتاً پیشرفته‌ای برای حل اختلافات تجاری میان کشورها است که به اعضا اجازه می‌دهد اختلافات خود را در چارچوبی قانونی و مبتنی بر قواعد حل و فصل کنند.

اهداف و وظایف WTO

سازمان تجارت جهانی مجموعه‌ای از وظایف و کارکردهای مهم را در نظام تجارت بین‌الملل بر عهده دارد. از مهم‌ترین اهداف و وظایف این سازمان می‌توان به تنظیم و اجرای قواعد تجارت جهانی، کاهش تعرفه‌ها و موانع تجاری میان کشورها، ایجاد شفافیت در سیاست‌های تجاری دولت‌ها و فراهم کردن بستری برای مذاکرات تجاری میان اعضا اشاره کرد.

یکی دیگر از وظایف مهم این سازمان، رسیدگی به اختلافات تجاری میان کشورها است. در صورتی که یک کشور معتقد باشد کشور دیگری مقررات تجارت بین‌المللی را نقض کرده است، می‌تواند موضوع را از طریق سازوکار حل اختلاف در WTO پیگیری کند. علاوه بر این، این سازمان تلاش می‌کند با ارائه کمک‌های فنی و آموزشی، به کشورهای در حال توسعه کمک کند تا بتوانند سهم بیشتری از تجارت جهانی داشته باشند.

در حال حاضر بیش از ۱۶۰ کشور جهان عضو سازمان تجارت جهانی هستند و بخش عمده تجارت بین‌المللی در چارچوب مقررات و توافقات این سازمان انجام می‌شود. به همین دلیل، WTO یکی از مهم‌ترین نهادهای اثرگذار بر اقتصاد جهانی به شمار می‌رود.

فرآیند عضویت کشورها در WTO

پیوستن به سازمان تجارت جهانی فرآیندی چندمرحله‌ای و نسبتاً پیچیده است. کشور متقاضی ابتدا باید درخواست رسمی خود را برای عضویت ارائه دهد. پس از پذیرش درخواست، یک «گروه کاری» متشکل از نمایندگان کشورهای عضو تشکیل می‌شود تا سیاست‌های تجاری، قوانین و مقررات اقتصادی کشور متقاضی را بررسی کند.

در این مرحله، کشور متقاضی باید اطلاعات مفصلي درباره ساختار اقتصادی، نظام تعرفه‌ای، سیاست‌های بازرگانی، یارانه‌ها و قوانین مرتبط با تجارت خارجی ارائه دهد. سپس مذاکرات دوجانبه و چندجانبه با کشورهای عضو آغاز می‌شود. این مذاکرات معمولاً بر موضوعاتی مانند میزان تعرفه‌ها، دسترسی به بازار کالا و خدمات، حمایت‌های دولتی و اصلاح قوانین تجاری متمرکز است.

پس از پایان مذاکرات و توافق بر سر تعهدات، گزارش نهایی گروه کاری تهیه و برای تصویب به اعضای سازمان ارائه می‌شود. در صورت موافقت اعضا، کشور متقاضی می‌تواند به عضویت کامل سازمان تجارت جهانی درآید. این فرآیند در بسیاری از کشورها چندین سال و گاه بیش از یک دهه به طول انجامیده است.

وضعیت ایران در سازمان تجارت جهانی

ایران از سال ۱۹۹۶ درخواست عضویت در سازمان تجارت جهانی را مطرح کرد. با این حال، به دلایل مختلف سیاسی و اقتصادی، بررسی این درخواست برای مدت طولانی با تأخیر مواجه شد. سرانجام در سال ۲۰۰۵ درخواست ایران برای آغاز روند الحاق پذیرفته شد و ایران به عنوان «عضو ناظر» در سازمان تجارت جهانی شناخته شد.

با وجود این، روند مذاکرات رسمی الحاق ایران هنوز به مرحله نهایی نرسیده و ایران همچنان خارج از عضویت کامل در این سازمان قرار دارد. عضویت در WTO مستلزم اصلاحاتی در قوانین تجاری، نظام تعرفه‌ای، مقررات گمرکی، حمایت‌های دولتی و برخی سیاست‌های اقتصادی است. همچنین هماهنگ‌سازی قوانین داخلی با مقررات بین‌المللی تجارت از جمله اقداماتی است که در مسیر الحاق باید مورد توجه قرار گیرد.

برخی کارشناسان معتقدند عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌تواند فرصت‌هایی مانند گسترش صادرات، دسترسی گسترده‌تر به بازارهای جهانی، افزایش شفافیت اقتصادی و جذب سرمایه‌گذاری خارجی را برای ایران فراهم کند. در مقابل، برخی دیگر بر این باورند که پیش از عضویت، لازم است زیرساخت‌های تولیدی، نظام بانکی و ساختارهای رقابتی اقتصاد کشور تقویت شود تا بنگاه‌های داخلی بتوانند در فضای رقابتی تجارت جهانی عملکرد مناسبی داشته باشند.

شرکت نهاده های دامی جاهد

کرج، جاده مشکین دشت، روبروی رزکان نو، جنب مرکز اصلاح نژاد دام کشور، مرکز فروش شرکت نهاده های دامی جاهد

☎ (۰۲۶) ۳۶۷۷۰۸۸۳ - (۰۲۶) ۳۶۷۷۲۵۳۰ 📠 (۰۲۶) ۳۶۷۷۰۸۸۴ ✉ shop@ndj-co.com



NDJ.CO



تعادل در تولید
سلامت در عملکرد
انتخابی هوشمند برای
آینده دامپروری



Dectomectin®

Doramectin 1%

Injectable solution

دکتومکتین®

دورامکتین ۱٪

محلول استریل تزریقی



موارد مصرف:

دورامکتین برای درمان و کنترل آلودگی‌های انگلی داخلی و خارجی در دام‌ها استفاده می‌شود.

گاو گوشتی و گوسفند پروری:

برای کنترل و درمان آلودگی‌های معده و روده ناشی از نماتودهای گوارشی، نماتودهای ریوی، آلودگی‌های موضعی ناشی از جرب‌ها، کنه‌های تک میزبان، شپش‌ها، لارو مگس‌های مولد میاز و انگل بینی

Ivermectin + Closantel

Injectable solution

آیورمکتین + کلوزانتل

محلول استریل تزریقی



موارد مصرف:

گاو: جهت درمان ترماتودها (فلوک)، نماتودها (کرم‌های گرد گوارشی، کرم‌های ریوی، کرم چشم) و بند پایان نظیر جرب، شپش و مگس گاوی
گوسفند: جهت درمان ترماتودها (فلوک)، نماتودها (کرم‌های گرد گوارشی، کرم‌های ریوی، کرم چشم) و بند پایان نظیر جرب، شپش و لارو مگس بینی



از گذشته تا آینده، میراث اعتماد و کیفیت

- بیش از ۶۰ سال سابقه فعالیت در زمینه کشاورزی و مرتعداری، دامپروری، تجارت و تولید
- ظرفیت تولید بیش از ۱۵۰۰ تن در روز
- شناخته شده به عنوان یکی از بزرگترین کارخانجات مطرح در خاورمیانه
- به کارگیری مدرن ترین تجهیزات و تکنولوژی روز دنیا
- واردات مستقیم نهاده ها و افزودنی های خوراک دام و طیور
- تولید محصولات منطبق با استانداردهای جهانی
- دسترسی به مواد اولیه در کمترین زمان ممکن به دلیل نزدیکی به بندر امام خمینی
- همکاری با متخصصان و کارشناسان داخلی و خارجی